

مثل مطالعه پرونده و دادن گزارش جزوتست اخیر میباشد.

من بسیار خوشوقتم که آقایان نمایندگان برای اینکه پیشنهاد من خلاف قانون نیست نمیتوانند مرا محکوم نمایند. ولی چون عمر من زیاد نیست و معاصرین من بیارند میتوانند از گذشته من تحقیقات کنند شاید چیزی بدست آورند که مرا در محاکم جزائی تعقیب بنمایند.

من در این مجلس قول میدهم که در سنگر قانون قائم نشوم، از مرور زمان و اینکه قانون جزائی عطف بسابق نمیشود و دوره ای از زندگی من که قانون مزبور نبود شامل من نمیشود و همچنین از مصونیت پارلمانی استفاده نکنم و بلا درنگ خود را تسلیم دادگاه نمایم و آنروزی که یک نفر وکیل محاکمه و محکوم شد کار ما اصلاح میشود ولی افسوس که با این مجلس اینکار نمیشود!!



این بود واقعه پانزدهم اسفند که بنظر نگارنده يك مانور شجاعانه بود که مجلس چهارده را تکلن داد و به يك عده فهماند که قضاوت عمومی اشتباه نمی کند و بدغل کلان چشم تحقیر و خشم مینگرد

حقایق مطبوعات نسبت به واقعه پانزدهم اسفند

چون واقعه پانزدهم اسفند یکی از مظاهر واقعی و بدون تردید احساسات ملت ایران بود که در آن روز بظهور رسید لازم میدانیم عقاید مطبوعات را نسبت به واقعه روز مزبور بمعرض افکار خوانندگان گذارده و بعد اقدامات نماینده اول تهران را برای بجریان گذاردن دعای جرائمی که در مجلس هدفون شده بود باستحضار آنان برسانیم:

نامه «ندای عدالت» در شماره ۱۷۸ چهاردهم اسفند تحت عنوان «احترام امامزاده

با متولی است» مینویسد:

«... بناسه، نطق آقای دکتر مصدق در جلسه دیروز و عکس العملی که در افکار عمومی و طبقات روشن فکر ایجاد نموده است ما که تاکنون از لحاظ وطن پرستی و سابقه خدمات اجتماعی احترام خاصی را نسبت بایشان ملحوظ داشته ایم خود را ناگزیر می بینیم پیاس همان سوابق و علاقه به حفظ موقعیت ملی ایشان دوستانه تذکراتی بنهیم... آقای دکتر- مصدق!... بنفیده ملاحظهات روز گذشته شاد و روز از منطق و بلکه اساساً خارج از روش پارلمانی و رویه حکومت های ملی و دموکراسی بوده است.»

آقای دکتر! شما با قبول اعتبار نامه نمایندگان و ورود به مجلس چهارده نمیتوانید منکر شوید که با این عمل خود مجلس را مجلس ملی و قانونی معرفی کردید بنا بر این نظامات و مقررات همان مجلس بشما حکم میکنند که تصدیقات و تصویبات اکثریت را در حکم قانون دانسته و از آن تبعیت و پیروی نمایید.

آقای دکتر! احترام به مجلس وظیفه شماست امروز هر کسی که داوطلب و کالت بوده و در انتصابات کامیاب نشده است صفحات روزنامه خود را بانحش و ناسزا و اهانت به مجلس سپاه میکند.

البته ممکن است درین نمایندگان چند نفری دارای گذشته زشت و زیبا بوده و از این حیث قابل ملامت باشند لکن هیچ انصاف و وجدان شریفی راضی نیست که بدین لحاظ بی‌عامه نمایندگان که عنوان مجلس شورای ملی بآنان اطلاق شده و مصوبات آنان



جهت مات ایران قانونی است بی احترامی شده و حیثیت و شرافت آنها لگدمال اغراض پست و جهالت گردد. چرا راضی می‌شوید مجلس را دزد گناه نامید و حال آنکه خود نیز فردی از افراد نمایندگان معسوب می‌شوید. آیا تصدیق نمی‌کنید که این جمله بسی دقت و بدون مطالبه ادا گردیده است؟ و آیا مرد سیاسی نبایستی کاملاً در افکار و اعمال خود غوررسی نماید؟

آقای دکتر! شما خوب میدانید که حکومت مشروطه و پارلمانی حکومت اکثریت و عدد است - نظامات و قواعد مجلس برای طرح مطالب مواردی را پیش بینی نموده و نمایندگان مکلفند بی‌موقع صحبتی ننکرده و اظهارات و مطالب خود را بصورت سؤال یا استیضاح یا طرح در آورده و با رعایت این تشریفات حرف زنند.

شما که برخلاف نظامنامه مجلس قدم بر میدارید آیا هیچ فکر کرده اید که اگر از این حیث ایرادی متوجه شما نمایند حقا جواب منطقی و صحیحی ندارید بنهید و اگر گفته شود که بین «دیکتاتور» یعنی فردی که خود را مستثنی از قانون دانسته و اراده خود را بر یک ملت تحمیل کند با «نماینده ملی» که نظامات و قوانین را احترام نماید و بخواهد نظر خود را بر سایرین تحمیل کند چه فرق است. جواب شما چه خواهد بود؟

آقای ابراهیم خواجه لوری مدیر روزنامه عدالت

در هر صورت ناگفته نماند که احترام امامزاده یا متولی است ...

روزنامه اقدام در شماره ۶۹۸ دوشنبه چهاردهم اسفند ماه ۱۳۲۳ تحت عنوان

«کلمه حق و یاری حق» چنین مینویسد:

بالاخره دکتر مصدق کلمه حق را گفت «مجلس دزد گناه است» برای اینکه دزد را تبرئه میکند و از دزد حمایت مینماید. مجلس دزد گناه است برای اینکه نمایندگان که بدستور تدبیر دزد انتخاب شده اند دزد رأی و دزد فکر و دزد همه چیز هستند.

ملت ایران بهوش باش! ...

دکتر مصدق و کیل اول تهران و وکیل اول ایران دزد نیست. آنانی که او را دزد و دیوانه و لایق محبس میدانند خود زنجیری و خود زندانی بوده و خود در خور محبس بلکه اعدام هستند.

ما امروز مانند هر روز از حق و عدل و شرف دفاع میکنیم. دکتر مصدق کلمه حق را گفت و ما حق را یاری میکنیم، او خواست تنگهای کسانی که دزد را تبرئه میکنند کشف

نماید، او خواست پرونده تدین را که قبلاً هم به تصویب مجلس تعقیب او بی‌فایده صالحه ارجاع شده و تاکنون مسکوت عنه مانده تحت رسیدگی قرار دهد - یاران و همکاران تدین مانع شدند آیا شکمی مانده که حامی دزد بدتر از دزد است .

این همان دکتر مصدق است که با سردار سپه در مجلس شوری که امروز بقول ایشان دزد گناه است نبرد کرد، حق را گفت و دلیرانه از حقوق ملت دفاع کرد با دیکتاتور خونخوار نبرد نمود - اگر عوام فریبی این است کاش ما یک عوام فریب دیگر می‌داشتیم و اگر دیوانه او است که ای کاش دیوانگان دیگر در این ملک ویران پدید می‌آمدند می‌گفتند و می‌شیدند .

و باز همین روزنامه در شماره ۶۹۹ سه شنبه پانزدهم اسفند زبر عنوان «اقتضای ملت» چنین می‌نویسد: «عده بسیاری از مردم با ایمان از هر طبقه و صنف در تأیید «اقدام» که از آقای دکتر مصدق دفاع نموده اظهار عقیده کرده و جمعی هم از حد اعتدال تجاوز نموده افراط می‌کردند که مخالفین آقای دکتر مصدق را عملاً مجازات نمایند و ما با فراطیون نصیحت داده که از منات و اعتدال تجاوز نکنند با این قبیل احساسات می‌توان بحیات ملت ایران امیدوار بود...» .

از روزنامه عالم (یکشنبه ۲۰ اسفند ماه

۱۳۲۳) تحت عنوان: «دکتر مصدق مترجم افکار ملت است - اینجا مجلس نیست دزد گناه است از کابل و قصار و کیل اول تهران.»

«اینجا مجلس نیست دزد گناه است» جمله ایست که افکار عمومی خیلی پیش از آنکه آقای دکتر مصدق در مجلس از روی عصبانیت بگوید در زبان خاص و عام بوده و بیان این حقیقت در مجلس توسط آقای دکتر مصدق کاملاً طبیعی است - نباید گمان ما بقدری مشغول زرد و بند و وردار و رمال هسته که خیال می‌کنند مسکن است این اقتضاحات مخفی مانده و از محیط خودشان بخارج سرایت نکند . مردم که بیاکی نظر این و کیل حقیقی ملت ایمان داشته تردیدی بخود راه نمی‌دادند که بالاخره روزی دکتر مصدق



آقای دکتر میرپایی مدیر روزنامه عالم

حق مجلس آنچنانی را ادا کرده و ترجمان افکار عمومی خواهد شد این موقعیت بدست آمد و دکتر مصدق با اعلام «اینجا دزد گناه است» ملت را که در انتظار اعلام چنین حقیقی در آتش می‌سوخت تسکین داد .

وقایع روز سه شنبه رفتن مردم بنخانه او و با تعظیم و تجلیل آوردنش بمجلس و آن تظاهرات و نمایشهای وطن پرستانه خود هوید این معنی است هتیک خود بخودی و بدون نقش قبلی روز سه شنبه ۱۵ اسفند کانیست که دل سرد شدگان و مایوسین از اوضاع را تشویق کرده دلگرمی دهد آری این احساسات عمومی و جنبش خود بخودی یکبار دیگر انبثات می‌کند که افکار عمومی برخلاف معروف پندار است و قضاوت صحیح دارد و به موقع بدون آنکه محرکی داشته باشد بروز و ظهور می‌کند .

«یابیه جمعیت رفیقان» (ضمیمه نامه هفتگی هراز) تحت عنوان مردم از دکتر مصدق و نمایندگان مانند او حمایت خواهد کرد چنین مینویسد: «نطق دکتر مظهر احساسات اکثریت ملت و زبان حال هر فرد وطن پرست و روشن فکر ایرانی بود. اعلام خطر دکتر مصدق نیات نمایندگان تحصیلی و ارباب شناس مجلس را روی دایره ریخت و نقشه های خائنانه آنها را نقش بر آب ساخت دکتر ثابت کرد که ملت ایران اجازه نمی دهد یکبار دیگر خیانتکارانی از قبیل سهیلی و تدین بدست نمایندگان بی مصلحت و نفع پرست مجلس روی کار بیایند. عکس العمل صراحت و شهادت دکتر مصدق: جنب و جوش دسته سیاه، هو و جنجال عناصر نالایق و وقاحت و بی شرمی جرأید مزدور آنها است. دکتر خود میدانست طبقه بی طرف و وطن پرست نیز حتم داشتند که این دسته های خائن و خرابکار در مقابل حمله دکتر یکبار تشسته و با تمام قوی خود را برای مبارزه با این گونه و کلای باشهادت آماده خواهند کرد.

آقای رئیس مجلس اشما که بازمانده پدر مشروطیت ایران هستید چطور راضی شدید به محبوب ترین مدافع آزادی و مشروطیت توهین شود. جمعیت رفیقان پشتیبانی و موافقت خود را با نمایندگان صالح و وطن پرست اعلام میکنند و بوکلای تحصیلی دست نشانده اطمینان میدهند که تا آخرین نفس در راه حفظ و احترام آراء و عقاید اکثریت اهالی ایران و دفاع از نمایندگان محبوب از پای نخواهد نشست.

از فوق العاده «شوق» ارشاد حزب ایران (هیجدهم اسفند ۱۳۲۳) تحت عنوان «ملت ایران بیدار شو» - «دیروز عمال ارتجاع برای بار دوم کار خود را کردند و در جلوی خانه ملت جوان ۲۱ ساله را در مقابل چشم ملت ایران هدف گلوله قرار دادند و غرق بظنون نمودند.

حکومت نظامی ضالیت (!) خود را بخرج داد و برای بار دیگر گفت: ای جوانان ایران، ای کسانی که خون پاک ایرانی در عروقشان در غلیان است، ای دانشجویانی که میخواهید باین هیئت حاکمه ظالم بفهمانید که ما هم زنده که ما هم میکنیم است برای یافتن حق و طرفداری از يك اصل نسبی چنگ با فساد و فاسد قیام کنیم به پیشه زور و سر نیزه را».

از فوق العاده آرمان ملی (شانزدهم اسفند

۱۳۲۳) تحت عنوان: «دکتر مصدق نماینده اول تهران از وکیل حقیقی ملت ایران آخرین حرف حق را میزند».

دیروز يك صحنه فجیع، يك پرده مولم و وحشتناك دستگاه جنایت کار حاکمه در مقابل مجلس یعنی در پیشگاه کعبه اعمال ملت که يك مشت غارتگر آنجا را قصب کرده اند از طرف يك نظامی قلدر و خون آشام بسوق اجرا گذاشته شد. گلشامیان فرماندار نظامی تهران هنگامی که جوانان رشید دانشگاه دکتر مصدق نماینده باشرف و پر افتخار



آقای ارباب رادمدری روزنامه آرمان ملی

تهران را بر روی سر گرفته بطرف مجلس میبردند تا اراده ملت را بآن احقیقالی که از پشت تریبون به يك مرد تاریخی ایران «دیوانه» خطاب میکنند نشان بدهند این حاکم جنایتکار بسریازان فرمان داد که «او» را بزند «دکتر مصدق» افتخار نسل معاصر ایران مرد با شرف و از جان گذشته ای که يك تنه در مقابل يك مشت غارتگر و دزد «جمله کار» ایستاده و مبارزه میکند در زیر ضربات کشته شده سر نیزه سریازان گلشایان بیپوش شده مصدق را زدند. مصدق را در زیر ضربات مهلك سر نیزه و قنداق تنك بیپوش کردند برای این که این یگانه راد مرد پاك و با شرف هم از میان این دستکاه حقه باز و دزد پناه برود او کشته شود تا دزد ها جنایتکاران روسیایان مفتضح بنواتند در میدان بهارستان روی قبرستان ایران برقصند. بیایند. بدزدید. بگیرند و به بندند»

از فوق العاده «آئین دانشجویان» مورخه ۱۶ اسفند ۱۳۲۳ تحت عنوان

«زنده باد جوانان آزاده ایران» روز افزون باد نیروی آزادبخوانان جوان «۱»



دیروز جرعه از آتش مقدس وطن پرستی این جوانان جستن نمود و آتش در خرمن آمال دشمنان ایران زد - جنبش دیروز ما پشت خائین را بلرزه در آورد و دانستند که با ایران کشور عزیز خود نهایت علاقتندی را داریم. ما ثابت کردیم در این ایران نیروی هست که بی ریا حاشی میهن و آزادی افراد آن است. ما دانشجویان بدکتر مصدق عقیده داشته و او را مرد وطن پرستی میدانیم. با وجود تحریکات و تبلیغاتی که متأسفانه از چند طرف متوجه شخص ایشان بود در عقیده خود راسخ مانده و برای اینکه بمخالفین جواب دندان شکنی داده باشیم او را بر روی دستهای خود بهمانجائی که بوسیله آراء خود فرستاده بودیم و دستهای ناپاك میخواستند او را از آنجا بیرون کنند بردیم و با این عمل نشان دادیم

که سر پنجه ملیون برانقبوی تر از دستهای آلوده خائین است مادیروز یا دلهای آکنده از مهر وطن برای انجام وظیفه اجتماعی خود رفتیم و نشان دادیم که خادمین ایران همیشه در دلهای پاك جوانان وطن پرست جای دارند و نصیب خائین جز فقر و انزجار عمومی چیز دیگری نیست...»

از روزنامه کیهان (نوزدهم اسفند ماه ۱۳۲۳) تحت عنوان: «جوانان به پیش»

به پیش. ای جوانانی که با نهضت بی آلاش غنله در قلوب مرتجعین گفته پرست و دزدان اجتماعی و بنماگران میسروت افکنده اید. به پیش ای طبقه روشن فکرو هسته حیات ایران که با جنبش خود روح امید و آرزوی ملت را از خواب صبیق خود بیدار ساختید آن کسانی که سالهاست گلوی ملت شما را فشرده اند از سر تا پا او را درزنجیر کرده و به باری يك دیگر آنرا در اسارت نگهداشته اند هنوز امیدوارند که با نهضت و افترا و توسل بدسته بندی و حقه بازی و بکار بردن زور و سر نیزه نهضت مقدس شما را در مشبه پیدایش خویش خفه سازند باین جهت اول فکری که کرده اند این است که جنبش بی آلاش شما را آلوده

سازند. میگویند این نهضت بشعربك زینوعمر و بوده است. روزنامه های ناشرانكرا ایشان در لباس دوستی و بیانات دلسوزی میگویند باید تحقیق کرد که مسبب این عمل چه کسانی بوده. اند یعنی کجا بوده اند که شما را آلت کرده و با الفاظ «میهن» و «آزادی» و «عت» و «پاکدامنی» که بفقیده ایشان مثل سپرغ و کبیا نام دارند ولی نشان ندارند شمارا فریب داده و بطرف خانه دکتر مصدق رانده اند. اینها نمیگویند هر کس دانشجویان را تحریک کرده باشد کار بدی نکرده است همه کس در مسلک مشروطه حق اظهار احساسات دارد مجلس شورای ملی را برای همین درست کرده اند که مردم در هر مصیبتی و برای اظهار هر درد و یا احساساتی بآنجا بروند هیچکس حق ندارد میان مردم و خانه ملت حایل شود و مادامی که نمایش دهندگان دست بعمل مخالف امنیت نزنند کسی نمیتواند از ایشان جلوگیری کند. اینها نمیگویند باید تحقیق کرد که چه کسی فرمان شایک داده و چرا خواسته. اند از احساسات دانشجویان جلوگیری کنند خون آن جوان بیگناهی که در فصل گل و لاله زمین را لاله گون ساخت بگردن کسیت و با چه وسیله باید داغ دل بازماندگان او را مرهم نهاد. اینها نمیخواهند مقبر را در اینجا در جلو مجلس در میان آدم کشان جستجو کنند برای اینکه میخواهند این بساط پستی بساط آدمکشی و ترور و وحشت باقی باشد که کاخ شنگری ایشان را از دست ستمدینگان نگهداری کند. اینها با عبارتهای فریبنده، با الفاظ شیرین و مصیبت نما و بالاخره باشد زهر آلود تقصیر را همان جنبش و احساسات شامیدانند نه تیر اندازی مردم لغت و کشتن دانشجویان و طبقه روشن فکر و هسته حیات کشور. اینها نمیخواهند باور کنند که در دنیا ایمان و عقیده و احساسات بی آلاشی هم وجود دارد. نمی توانند باور کنند که نوع بشر را غیر از مصالح فردی هم حرکت میدهد و باین جهت چون شما مصیبت شخصی در بر گردانیدن دکتر مصدق نداشته اید اصرار دارید که این حرکت شما را تحریک و فریب دیگران بدانند در صورتی که هر کس در آن روز از نزدیک شما را دیده است، هر کس آن روز در دانشگاه بوده و شما را میدید که هر کدام میرسیدید از دیگری پر جوشر و پر خروشر بودید و هست و بی آلاشی و ایمان و احساسات از بیانات هر یک از شما میریخت اگر درد تپا يك جنبش بی آلاش، يك حرکت احساسات آمیز پیدا میشود نهضت آنروز شما بود ولی اینها نمیخواهند آنرا باور کنند برای اینکه اگر باور کردند باید حسابهای دور و درازی برای آتیه خویش بکنند. اینها میخواهند اول جنبش شما را با تپست و افترا آلوده ساخته و بعد بیهانه حفظ امنیت عمومی شما را خفه کنند. اینها نقشه را خوب کشیده اند و تاکنون هم از نقشه خود خوب نتیجه گرفته اند ولی يك اشتباه می کنند و آن این است که زور و ستمگری و حقه بازی هم آخری دارد. اینها اشتباه میکنند که هر چه بر جنبش آزادیخواهی افزوده میشود بر فشار و تهدید و تجاوز خود میافزایند. اگر اینها شعور داشتند میگذاشتند مردم قلمی نفس بکشند، از فشار و ستمگری خود می کاستند تا اندازه حقوق مردم را میدادند، تمام این کارها را برای حفظ چلن و مال خودشان میکردند ولی نمیکنند برای اینکه خود پرستی و حرص و طمع و خرو و نفوت چشم ایشان را بسته است و وظیفه شما جوانان است که این پرده را از روی کار بردارید. البته نباید با حرکتی که تعبیر به خلاف آرامش و امنیت عمومی باشد بایشان بیهانه بدهید که از اصل حرکت شما را در مه پیدایش نابود سازند.

با همین روش، با همین آرامی و اظهار احساسات دور از هر گونه تعرض و دست بردن به آلت و اقرار عادی که پیش گرفته اید شما خواهید توانست که کاخ ظلم و ستم و خود

پرستی و دزدی و خیانت و جنایت را منهدم ساخته و بجای آن بنائی از عدل و داد در این کشور پی افکنید. این کشور مال شما است و آتیه نیز باشما است شما باید در این خراب آباد که ایران نام دارد زندگی کنید در خانه خراب و زیر سقف لرزان پای دیوار متزلزل زندگی کردن خطرناک است. شما باید بفکر باشید که این خانه را برای خود و اعتبار خود آباد سازید این جنبش مبارکی را که شما شروع کرده اید نهضت مقدسی است که هر روز نتیجه آن نمایان تر میشود. دیروز میخواستند از تشکیل اتحادیه يك دسته از شما جلوگیری کنند ولی میدان بشکست ایشان و فتح شما تمام گردید از آن روز هزار بهانه آوردند که نگذارند دانشجویان فلان دانشکده اتحادیه تشکیل دهند و امروز می خواهند احساسات يك وبی آلاش شما را تحریک و غریب و هرج و مرج و اغتشاش نام بگذارند و باین بهانه هر نهضتی شبیه نهضت شما را از اصل معدوم سازند. اینها میدانند که این نهضت شما موج کوچکی است اردریای خروشان که در سینه های سرکینه ملت نسبت به ایشان متلاطم است. میترسند این دریا يك دغه بسوج درآید و بنیان هستی ایشان را از پای در آورد. اینها از هر طرف آثار این طوفان را می بینند و برای جلوگیری از آن سد بندی می کنند. همانطور که جنبش شما را دیدند متینگی را که دیروز افراد حزب میهن و ایران طبقه روشنفکر و حساس کشور در باشگاه حزب میهن دادند نیز ناظر بودند، آن جشن با شکوه، آن اجتماعی که لاقلاً از پنج هزار نفر تشکیل یافت بود، آن نطق های شورانگیز آن نظم و ترتیبی که از منصوبان باشگاه دیده میشد و بالاخره آن شرکتی که جوانان با حرارت و حساس و پرشور در این جشن کردند؛ چه از افراد حزب «میهن» و «ایران» بودند و چه نبودند همگی اظهار وجد و شرف میکردند برای اینکه میدیدند همگی در آن جاده قدم میزنند و برای يك چنگ صف آرایی میکنند و تیزیکی از امواج دریای زخار کینه ملت بود مرتجعین و سستگران. یضاگران و قاچاقچیان. موریانه های اجتماعی. زالوهای خون ملت ایران این جنبش را میدیدند نمویك صرصر سهمگینی را یا پیش بینی میکردند و برخود می لرزیدند. این انعکاس از همان چیزی است که ما پیش از یکسال قبل نوشتیم، همان مبارزه دو تپ است که ما بدان تشویق میکردیم و امروز خوشوقتیم که ثمره اقدام خود را با چشم می بینیم همان روز هم بعضی از اینها با حمله کرده و مارا متهم ساختند که چنگ بیر و جوان راه انداخته ایم تپ جوان و کهنه ما را که مقصود از آن عناصر بی آلاش و آلوده بودند به پیر و جوان و پسر و پسر تعبیر کرده و به ماناختند این ها فکر نمی کنند که اگر ما مقصودمان از جوانان همان لفظی است که ایشان میفهمند و بدان وسیله میخواهند ما راهو کنند چرا ما طرفدار دکتر مصدق و مومنین الملك هستیم آیا پیرنیا و دکتر مصدق از حیث سال جوان هستند؟ البته اینها آرام نمی نشینند که تپ جوان و صالح یکدیگر پیوسته و در مقابل ایشان صف آرایی کنند و بالاخره با يك حمله بنیان هستی ایشان را زیر و بر سازند. اینها میدانند که مظلوم و ستمدیده خیلی بیشتر از ظالم و ستمگر است. اگر این ستمدیدگان روزی یکدیگر پیوسته با يك مشت ایشان را خرد و متلاشی خواهند ساخت بدین جهت سعی می کنند که از پیوستن ایشان به یکدیگر و نهفتنشان جلوگیری کنند اول ایشانرا متهم میسازند و بعد بهانه دلپذیری اجتماع ایشان را پراکنده و نهفتنشان را خفه میسازند ولی نباید از حرکات مندوبحانه ایشان ترسید باید مصروف خود را بمنظام ساخت بدون اینکه بهانه بدست ایشان داد بدون اینکه کاری کرد که تعبیر باغتشاش شود باید نقشه صحیح را برای روز عمل کشید پس ای جوانان و نوآموزان ای طبقه روشنفکر و هسته حیات ایران به پیش از این عشقه ها که سعی میکنند گلوی شما را سخت به پیچند نرسید.

فکر به منوچهر تیمورتاش و دانش او بیعت
 به پیش ای شیران یسه غیرت و حیبت وای دلیران کشور ایران از روباه بازی
 و حیل سازای این روبهسان دغلباز هراس نداشته باشید و این روشی را که پیش گرفته اید
 دنبال کنید... همه باهم به پیش ...»



از روزنامه رستاخیز ایران (پست و یکم اسفندماه ۱۳۳۳) به نام: آقای منوچهر تیمورتاش نماینده مجلس
 > نخست میخواهم درود فراوان و بی پایان نثار این روحهای پرشور و احساسات سازم
 که يك بار دیگر ثابت نمودند که ایرانی نمرده و هرگز نمی میرد! ایرانی از نیر و خون
 نپترسد چون: آن آتشی که نپبرد همیشه در دل ماست.
 آری شا جوانان ثابت کردید که دارای بهترین احساسات و رساترین و قویترین



آقای منوچهر تیمورتاش نماینده کاشمر
 در مجلس ۱۴

روحیهها و افکار میباشید، من که از نخستین دم بین
 شما بودم گواهی میدهم که با همان التهاب و آتشی
 که در راه منظور و مرام خود ایستادگی کردید،
 با همان ثبات و در مقابل استدلال دوستان نیز
 تسلیم گشته و نگذاشتید بهترین احساسات شما
 مورد سوء استفاده قرار گیرد من خود ناظر جریان
 بودم که در بزرگ مجلس باز بود و يك عده سر باز
 در جلوی آن صف آرائی نموده يك باره بشلیک
 پرداختند. آیا بهتر نبود که در بزرگ مجلس را
 می بستند و همین سر بازان در پشت در قرار میگرفتند
 تا هم عساکرت از ورود مردم گشته وهم بدون اعمال
 زور و سر نیزه سکوت و آرامش برقرار میگردد!!!

میگویند رضا شاه مکتب نداشت - اگر نداشت پس این رعب و بیم از چیست؟ اگر
 نداشت پس کدام عامل است که بحکومت نظامی حق برادر کشی میدهد؟ اگر نداشت
 کیست که از ملت ترسناک و به نظریات عمومی بی اعتنا میماند، همان ملتی که حیثیت و
 شرافت ملی ما سپرده اوست، همان ملتی که نماینده به مجلس فرستاده، همان ملتی که
 چون همدستان شود نیروی برخاستش اعیاز میکند ...»

از روزنامه آفتاب (۱۹ اسفندماه ۱۳۳۳) تحت عنوان دژارینچه دیوانگان به نام: دانش او بیعت



آقای دانش او بیعت نامروزنامه
 آفتاب و مدیر روزنامه سیاست ما

> ... آقای دکتر مصدق! مادام که عقل عقلای عالم معتمدین
 عبدالله (ص) راسفهای عرب دیوانه و مجنون نامیده اند، مادام که
 از خود گنجهتگی و فداکاری عیسای مسیح بدیوانگی تعبیر شده
 است، مادام که فلاسفه عالیقدر و معلمین عالم بشریت از قبیل:
 سقراط، داروین نیچه، شوپنهاور، ابوالعلائی معری، محمد بن
 زکریای رازی و امثال این ها بزبان جماعتی از هرزه ها و بگفتار
 عده ای از سفها و فرومایگان دیوانه و مجنون بوده اند بگذارید
 این فضول های سفله و رسواهای دزد، این خار و خس های باغ بهارستان،
 این فضولات عالم تمدن نیز بگویند دکتر مصدق دیوانه است.
 دکتر مصدق لا طائل و مهمل گفته است، دکتر مصدق اراجیفی بهم بافته
 نوشته و خوانده است و لهن ناموزون اوسامه مارا آزرده است

نظر به روزنامه‌های پیام و خبردار ...
 و هیچ ضرری ندارد که از زبان کاهن‌ها و مزدوران امروزی همان و ابش‌نویس که هزار و نهصد سال پیش حنا و کایف در باره مسیح گفتند.
 گفتند این دیوانه است او را معاکه کنید و یک آدم فهیده صاحب عقل نبود که بگوید ای عفا اگر «دیوانه» است دیگر معاکه یعنی چه! دیوانه را که کسی معاکه نمیکنند...»

از روزنامه «پیام» تحت عنوان: «سهیلی بدکتر مصدق حمله میکند» مورخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۴م؛ کلام برجسته



آقای مجتهد پزشکی نویسنده و قاضی
 (مدیر آئینه پارسی شیراز)

از روزنامه «خبردار» ارگان کارمندان دولت (۳۱ اسفندماه ۱۳۴۴) تحت عنوان: درد آگاه و سلمانی

«... خوشبختانه غرور ملی مردم پایتخت که بصورت میتینگ عمومی درآمده بود بسفسطه‌های بی‌بنیان و گزافه‌های ناچیز سهیلی و طرفداران خائن او جواب داد و فهماند که ملت حقیقی دکتر مصدق را از جان و دل دوست میدارد. سیلی درشتی که برگونه زمخت و سیاه فرماندار نظامی تهران نواخته شده، حمله‌ای که مردم بوکیل تهیلی سبزوار یعنی سیدمحمد طباطبائی نچند کردند؛ نمایتهایی که همه جابر له دکتر دادند ثابت کرد که قضاوت عمومی همیشه درست است و مردم عناصر پاکدامن را دوست میدارند.»

این سطور پرتوی از روح حق شناسی جوانان فارسی است که بر روی این اوراق تجلی نموده و با آقای دکتر مصدق تقدیم میشود...»

«... آقای دکتر مصدق در جلسه روز یکشنبه هفت گذشته مجلس در اثر عدم مواقت نایندگان با پیشنهاد ایشان هنگام خروج از سالون جلسه فریاد کشید که «اینجا دزد گاه است» البته باید تصدیق کرد که آقای دکتر مصدق آدم حساس و عصبانی است و در دین ناملایم نمیتواند کنترل اعصاب خود را حفظ کند. هر آدم درست و بی طبعی همینطور عصبانی و تند میشود و این مسئله در مباحث روان شناسی با ثبات رسیده است. بنا بر این عذر ایشان از این جهت و از جهت موقعی که در امور سیاسی کشور دارند و احترامی که مردم به شخصیت عالی ایشان میگذارند پذیرفته است از طرف دیگر نباید توجه کنیم که آقای دکتر در ادای این حمله زیاد براه خطا ترفته است زیرا بطور کلی اطلاق «دزد گاه» اینطور معنی نمیدهد که تمام حضار و ساکنین مجلس درد هستند اگر اینطور تغییر شود پس باید این نسبت به تماشاچیان و مخبرین جرایم و حتی تند نویسهایی نیز بر بزه‌ورد بهلاوه نسبت مطلق بیک مکان اطلاق بسکین نمیشود. فی‌المثل اگر از شما بپرسند این چه مغازه است و شما جواب بدهید سلمانی این معنی را نمیدهد که هر کس فی‌العالم در آن مغازه است شش سلمانی است و اگر چنین تعبیر بشود قطعاً خطا است زیرا در دکان سلمانی اشخاصی موقتاً مینشینند و سرشان را اصلاح کرده خارج میشوند در صورتی که استاد سلمانی و شاگردانش بی‌بسته در آنجا کار میکنند. اگر این مشابهت را می‌پسندید پس توضیح میدهم که در مجلس نیز عده‌ای بنحیت از استاد سلمانی و شاگردانش نشسته‌اند که هر وقت مجلس دایر میشود آنها آنها را

اداره می کنند این اداره کنندگان که در عرف جرایم با کلمه متولیان شناخته میشوند اشخاصی هستند که دکان سلمانی و رایبشید مجلس را اداره میکنند سرمایه نمایندگان را که احتمالاً هر دوره عوض میشوند اصلاح کرد موروثی می کنند باز دوره دیگر همین ها هستند که آن دستگاه را میگردانند و با اصلاح تازه واردین میگردانند. این اشخاص از جان این امامزاده چه میخواهند آیا محتاج این چند صد تومان حقوق هستند؟ اگر اینطور ادعا کنند و بخواهند با پاسخ بدهند که ما متقاعد نیشویم پس آنجا حتماً آتش و جلوانی تقسیم میشود که اینها دست از سردیک برنیدارند. اگر اینها در سایه نفوذ متولی گری جواز قماش بگیرند، منافعه ها را میبرند حواله نخ بدست می آورند، لاستیک تحصیل میکنند، بین سفارتخانه ها و وکلای تازه کار رابطه پدر فرزندی دایر میکنند، قوم و خویش های خود را در نقاط حساس بکار میگذارند، فرماندار میگذارند، فرماندار بر میدارند، مقدمات انتخابات آتیه را فراهم میکنند جرایم ملی را در تضییقات و غیره میگذارند شما باز نباید مثل آقای دکتر مصدق داد بکشید «آهای دزد» بلکه توی دلتان تصور کنید که اینها دزد هستند که هم خود میخورند و هم به بیگانه ها میفروشند.

بنابر این اگر قضاوت کنید که دکتر مصدق راست گفته و مجلس واقعا دزد گاه است به خطا نرفته اید منتها دزد آنهایی هستند که متولی آنجا میباشند و قسمتی از اموال این ملت خون سرد و بی جان را غارت میکنند که سایر همکاران تازه کارشان از آن سر در نمیبرند و بالنتیجه کلاه سرشان میگذارند....»

از روزنامه گیهان شماره ۶۱۵ (۲۱ آگست ۱۳۴۳) تحت عنوان: دکتر مصدق عنبر لغو است

«... روزنامه های مخالف دکتر مصدق و کسانی که طرفدار انتخابات رسوا و اعمال مفتضح این مجلس هستند و ضمناً بقدر شجاعت یا وقاحت هم نداشته اند که صریحاً از دکتر مصدق بد بگویند چنین وانمود میگرداند که دکتر مصدق بدکاری کرده که این مجلس را دزد گاه گفته ولی حالا کرده و عصبانی بوده است مجلس هم عصبانی شده و حق هم داشته برای اینکه مجلس است و باید احترام آنرا نگه داشت بنابر این راه حلی که بنظر ایشان میرسد این بود که دکتر مصدق بیاید و در جلسه علنی معذرت بخواهد من تپیدانم که دکتر مصدق اگر میخواهد معذرت بخواهد چرا آن کلمه را گفت و اگر نیک گفت او با آن وکلای که لاستیک و نخ و قند و شکر و قماش میگیرند و مجلس را مقدس میخوانند چه فرقی داشت و این چه راه حلی بود که بنظر روزنامه های مصلح (ا) رسیده بود که دکتر مصدق بیاید و با وکلای که بوی توهین کرده اند روی هم را بیوسند و از یکدیگر معذرت بخواهند.

مردم تهران که دکتر مصدق را با آن اکثریت عجیب بمجلس فرستاده اند برای این فرستاده اند که با نمایندگان تحمیلی شانه بشانه بنشیند و با ایشان همکاری کند بلکه برای این فرستاده اند که با ایشان مبارزه کند برده را از روی زشتکاری و خیانت و جنایت بردارد. تا پوشان را با بپ بدهد نه اینکه اگر يك كلمه بخلاف میل ایشان از دهان او در رفت فردا بیاید عنبر بخواهد تا وکلای تحمیلی و قاچاق لاستیکی او را در مجلس راه بدهند و او را بهمکاری خویش قبول فرمایند. بهر حال مخالفین دکتر مصدق چنین وانمود میگردند که دکتر مصدق در مجلس عنبر خواهد خواست که من «عصبانی» بودم و بخلاف اراده حرفی از دهان من پرید ولی دکتر مصدق نه تنها از گفته خود معذرت نخواست بلکه با بیاناتی صریح تر و تندتر آنرا تأیید کرد. دکتر مصدق چرا عنبر بخواهد. برای اینکه سرور صدها بخواهد و کلای تحمیلی و دزدان رأی و حق حاکمیت ملت از وی راضی و با او

حاضر به همکاری شوند؟! مگر دکترا مصدق برای این مجلس رفته است - اکثریت مجلس خراب است و دکترا مصدق با زهم یان اکثریت ناخست حمایتی را که ایشان از دزدها میکنند - هفت اعلام جرم بر علی سبیلی که مربوط بدخالت در انتصابات و اختلاس دو بیست هزار تومان از مصالح شهرداری و کوره بزخانه و دزدیدن در و پنجره وزارت خارجه است کمیسیون دادگستری مسکوت گذشته و اتهامات آقای تدین و روش مجلس نسبت به آن و رسیدگی با استفاده های نامشروع و کلا که هنوز عملی نشده همه را اند کرداد...»

در اینجا نامه ای که آقای تدین برای دفاع از خود به مدیر محترم روزنامه «صدای ایران» نوشته

لایحه دفاعیه آقای تدین

و در شماره ۶۸۴ آن روزنامه مورخ بیست و یکم اسفند ۱۳۲۳ منتشر شده و از گذشته شدن يك نفر دانشجو نساترات خود را اظهار نموده درج فقط بهمین اکتفا میکنیم که اگر روز ۱۵ اسفند عده زیادی از روشنفکران و خوددکتر مصدق قربانی اصلاحات میشدند دیوان کشور نمیتوانست هتھمین را تبرئه کند این فریادهائی که ما از اجرا شدن قانون اساسی میکشیم علتش این است که مشروطیت ایران بدون انقلاب عاید ما شده . رفتن مردم روشنفکر بمجلس و کشته شدن آن یکنفر دانشجو فقط این نتیجه را داد که مجلس چهارده نتوانست مانند مجلس سیزده که بعضی ها را تبرئه نمود سبیلی و تدین را تبرئه کند و تاجارشد که پرونده آنها را بدیوان کشور ارجاع کند» اینک متن لایحه دفاعیه آقای تدین :

آقای مدیر محترم جریده صدای ایران

خواهشمندم از نظر آزادی مطبوعات مقرر فرمائید شرح زیر را در آن جریده شریفه درج نمایند . در ضمن مذاکرات مجلس در جلسه یکشنبه ۱۳ ماه جاری يك جمله از نطق آقای دکتر مصدق راجع به خود خواندم که بسیار شگفت آور بود زیرا که از مثل آقای دکتر مصدق ادای این جمله شایسته نبود اینک میخواهم قدری با ایشان صحبت کنم فتاوت را بافکار صالحه ملت واگذار نمایم .

جناب آقای دکتر مصدق !... شما که بمن نسبت مختلس داده اید این اظهار شما مبتنی بر چه اصلی از اصول قضائی است؟! اما از نظر قوانین اسلامی این اظهار شما صحیح نیست مخصوصا شما که همیشه خود را مسلمان معرفی مینمائید و بقرآن هم برای اثبات اسلامیت خود سوگند یاد میکنید خواهشمندم نزد خود و وجدانتان تأمل نموده بفرمایید در کجای قوانین اسلام ذکر شده که يك نفر مسلمان بدون دلیل و برهان کسی را متهم نماید و از صبر اسلام تاکنون يك مورد پیدا میشود که يك نفر قاضی مسلمان در موارد دهاوی مردم بدون دلیل و برهان قاطع فتوی داده باشد و مخصوصا در امور جزائی که به اندک شبه در اساس آن قابل رد و دفع است و اما از نظر اصول محاکمات جزائی و حقوقی يك محکمه را نشان میدهد که قضات آن بدون دلیل و سند قاطع کسی را محکوم کرده باشند و اگر هم محکوم کرده باشند عکس العمل آن در انظار و افکار عامه هویدا نگشته باشد آیا بدون

مراجعه بیرونده و استماع دلایل طرفین دعوی هیچ قاضی می‌تواند حکم بدهد؟! آیا بدون رسیدگی در معاکم صالحه و طی مسرا حل قانونی و قطعیت حکم می‌توان کسی را مختلس خواند؟! البته خیر! اما از نظر مقررات مجلس هم این پیشنهاد شما کاملاً بی مورد بوده است. شما میدانید که مجلس برای حفظ انتظامات داخلی خود نظامنامه دارد و مادام که تغییر نکرده است تمام نمایندگان مکلفند که از آن اطاعت نمایند. شما میدانید که قانون معاکم و وزراء رسیدگی به اتهامات وزیران را فقط یکمسیون عرایض و کمسیون دادگستری ارجاع کرده است. آیا شما میدانید که در مجلس شورای ملی حکومت با اکثریت است و یک نفر نمیتواند و نباید رأی و فکر خود را بر آن تعدیل نماید. آیا شما میدانید که این پیشنهاد شما علاوه بر اینکه در غیر موقع بوده ناشی از حالت عصبانیت مزاج شما بوده است؟! آیا میدانید که این پیشنهاد شما توهین باعضای کمسیون دادگستری است و بلکه توهین به مجلس

است که آنان را انتخاب کرده است البته همه اینها را میدانید و از همه اینها گذشته از شما میپرسم که آیا شما پرونده امر را دیده‌اید یا نه؟! اگر ندیده‌اید چطور حکم میکنید و نسبت‌هایی را که البته انصاف و وجدان شما نیابستی بیستند بدبگیری میدهید و اگر دیده‌اید تقاضای مدت ۱۵ روز رسیدگی بآن چه منعی دارد در هر حال من حیرانم که این طرز رفتار شما را بر چه حمل کنم و کاری هم باین ندارم که شما با چه خشم و غضبی از مجلس خارج شدید و ناستراهائی به مجلس گفتید زیرا در این باب مجلس تکلیفش را بهتر میدانند ولی میخواهم قدری شمارا متوجه اوضاع و احوال کنونی بنمایم که صلاح کشور ما در این است که از مجلس شورای ملی که شما هم عضو آن هستید کاملاً هویت بشود و همه مردم با نهایت صداقت و جدیت از آن پشتیبانی کنند تا بتوانند باتکای ملت فکری برای جبران بدبختی‌های



آقای تدین وزیر خواربار و وزیر کشور
در کابینه سهیلی

حال و آینده این کشور بنساید و مخصوصاً در این موقع که دنیا در صلح می‌رود و کنفرانس صلح بزودی تشکیل خواهد شد و مجلس باید در نهایت آبرومندی باشد اخلاقاً از شخص شما پسندیده نبود که آن جمله را که قلم از نوشتن آن شرم دارد بر زبان جاری نمائید. آیا فکر میکنید که اگر فردا همین مجلس تصمیبی برای حفظ حیثیت و آبروی این کشور بگیرد با این بیانات شما چه سرنوشتی خواهد داشت

خوب شما که از مجلس تشریف بردید این چنجال بعدی چه بوده؟! يك عده از دانشجویان بی‌آلایش و بی‌گناه صرفاً برای ابراز احساسات بمنزل شما آمدند و از شما خواهش دعوت به مجلس را نمودند. آیا شما میدانستید که حرکت شما از منزل تا مجلس با آن ترتیب مسکن است این نتیجه را بدهد که يك عده اشخاص ماجراجو مغرض بآن دانشجو جوان ملحق شوند (چنانکه شدند) و از آب گل آلود ماهی بگیرند. آیا شما میدانید که در محیط بدبختی و فلاکت از اندک اجتماعی بآن صورت مسکن است مفاسد زیادی تولید گردد. آیا فراموش کرده‌اید که در ۱۷ آذر ابتدا يك عده دانشجو بودند که بسمت مجلس آمدند

و بعد متأسفانه زمام امور از دست آنان خارج گردیده و میدان بست دست يك مشت غارتگر افتاد و شد آنچه نباید بشود. البته شاه همه ایشارا میدانستید و از شخص شما پسندیده‌چنین بود که دانشجویان را متقاعد سازید و آنها را از عواقب وخیم این اقدام آگاه نموده آمدن خود را به ترتیب دیگر و به موقع دیگر موکول ساخته از منزل بیرون نمی‌آمدید تا در نتیجه يك شخص بی‌گناهی کشته نباشد و چند نفر زخمی نیسگرديد، ترس و وحشت در مردم راه نییافت و بازار و قسمتی از مقارنه های خیابان بسته نیسند. آقای دکتر!.. هفتای دنیا اگر اطمینان از اداره کردن جمعیتی نداشته باشند آن را بستنی حرکت نیسند در هر حال تصور- میکنم که باین جانب حق خواهید داد که شما را نیز از تشکیل این پرونده که کلاماً يك پرونده سیاسی است مسموم کنیم.

البته خوب میدانید که در سال گذشته موقعی که در وزارت کشور بودم دکتر- میلیسپو دست تعدی بوزارت کشور دراز کرد و میخواست در خصوص سرشاری تهران حق قانونی وزارت کشور را بخود اختصاص دهد و باین وسیله رفته رفته بسایر وزارتخانه ها دستدرازی نماید.

(چنانکه جدا نسبت بوزارت دادگستری آن نامه عجیب را داتر بر تعطیل قوه قضاییه نگاشت) و این جانب یگانه کسی بودم که جلو او را گرفته و آن جواب منطقی را باو نوشته و در تمام جرایم منتشر ساختم که تمام مخالف و موافق عدل این جانب را تصدیق کردند و در اثر این اقدام وطن پرستانه که این جانب بحکم صراحت لهیجه و عقیده روشن خویش بصل آوردم دکتر میلیسپو یا همدستی يك عده چاپلوس و متعلق این پرونده را برایم تهیه کردند که امروزه هر کسی با اندک نظر بی طرفی بآن نگاه کند تصدیق خواهد کرد که این پرونده مثبت ادعای او نیست و چون این جانب مطمئن هستم که در عمر خباتی نکرده و بیرامون قلب و تزویر و ارشاء نگشته‌ام بسا کمال خون سردی تا کنون ناظر جریانات بوده و هستم و بشا اطمینان میدهم که اگر بجای ۱۵ روز ۱۵ ماه آن پرونده را مطالعه نماید دلیلی بر محکومیت من پیدا نخواهد کرد زیرا که خداوند متعال شاهد و وجدانم گواه است که مسافرت من باذربایجان و این اقدام را کردن صرفاً از نظر خدمت بآنجا بود اولاً و ثانیاً بشام؛ کشور چه اگر در آن موقع این عمل شروع نیسند علاوه بر اینکه مردم زیادی از گرسنگی میمردند ممکن بود انقلابی روی دهد که تهران و جنابالی هم از خطر محفوظ نیاید. علاوه در آن تاریخ تمام اهالی آذربایجان حتی جرائد تبریز این اقدام را تصدیق و نافع و صحیح دانست و بعد از این اقدام هم مدت هفت ماه مجلس سیزدهم دائر بود و نمایندگان محترم آذربایجان هم در مجلس حضور داشتند نه از آذربایجان صدائی جز رضایت بلند بود و نه از نمایندگان آن در مجلس خورده گیری شنیده شد و این را هم مسموم کنید که مخالفین سیاسی من هم در باطن چنین دارند که من پول بگیر نبوده و نیستم و تمام این حیلالات از سرچشمه نارضایتی های سیاسی آب بر میدارد چنانکه خدمت جناب عالی هم با این جانب از همان سرچشمه است و الا این برای شما نسبت به من هیچگونه دلیل قضایی ندارد و اگر بصرف گفتن باشد مخالفین شما هم چیزهای زیادی در باره شما میگویند و اگر بنخواهند شما را بدون دلیل قاطع و سند محکوم نمایند شما چه خواهید کرد و آیا قبول خواهید کرد؟

البته غیر پس ای آقای محترم يك سوزن بشود بزنیید و يك جوال دوزبه دیگری بدانید که هر کس برای دیگری چاهی بکند بطور قطع عاقبت خودش در آن

طرح گزارش کمیسیون دادگستری راجع پرونده اعلام جرم نسبت آقای تدین

در جلسه ۳۱ فروردین ماه ۳۲۴ گزارش کمیسیون دادگستری راجع به اعلام جرائم تدین مطرح شد و بعد گزارش مفصلی که دکتر مصدق تنظیم کرده بود قرائت کرد که از شماره ۴۸ مذاکرات مجلس صفحه ۲۳۱ نقل میشود:

کمیسیون دادگستری پرونده اعلام جرم نسبت به آقای سید محمد محمد تدین وزیر سابق خواربار را در موضوع خواربار آذربایجان تحت شورورسیدگی قرار داد پس از چند جلسه مطالعه و مشاوره در پرونده چون رسیدگی کامل و دقیق در جلسه کمیسیون بواسطه تراکم اوراق پرونده مزبور مشکل بنظر میرسد لذا مقرره کمیسیونی برای رسیدگی باین امر انتخاب شود که پرونده امر و کلیه اوراق آن رسیدگی و خلاصه پرونده و نظریه خود را بکمیسیون تسلیم نمایند و سو کمیسیون پرونده مزبور را تحت شورورسیدگی قرار داده در نتیجه گزارش خود را دالر بدم و فروع چری از طرف آقای تدین و منع تعقیب ایشان بشرح بیوست بکمیسیون تسلیم نمودند کمیسیون در جلسه پنجم مهرماه ۳۲۳ گزارش مزبور را قرائت و پس از مذاکرات لازمه در اطراف قضیه و توضیحات اعضاء سو کمیسیون بالاخره بگزارش بیوست و منع تعقیب آقای سید محمد تدین رای گرفته با کثرت تصویب و علیهذا گزارش آنرا برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم میدارد.

نایب رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - قبل لازم است آقایان محترم را بجاهد شش قانون محاکمه وزراء توجه بدم. ماده

گزارش دکتر مصدق
راجع پرونده تدین

شش اینطور میگوید: «در صورتیکه راپرت کمیسیون عدلیه دالر بدم تعقیب متهم باشد در جلسه علنی مجلس شورای ملی قرائت و مطرح مباحثه میشود اگر راپرت مزبور تصویب گردید متهم تبرئه شده و هرگاه تصویب نگردید بمقاد ماده پنجم رفتار خواهد شد.

ماده ۵ - در صورتیکه خبر کمیسیون عدلیه دالر بجرمیت وزیر باشد خبر مزبور در مجلس علنی قرائت و بدون مذاکره و مباحثه دوسیه امر بوزارت عدلیه ارسال میشود که قضیه را فوراً بدیوان عالی تیزارجاع نماید.»

نتیجه این میشود که اگر آقایان باین گزارش رای ندادند و مخالفت کردند این کار باید برود در دیوان کشور مطرح شود و در آن جا رسیدگی شود و اگر موافقت فرمودند دیگر تعقیب نمیشود یعنی دیگر مجلس لازم نمیدانند که آقای تدین تعقیب شود. پیشنهادی هم از طرف جمعی از آقایان نمایندگان محترم شده است که با ورقه رای گرفته شود امضاء کنندگان پیشنهاد یکی خود بنده هستم بعد آقای مهندس فریور - آقای دکتر شفق - آقای رحیمیان - آقای مظفر زاده - آقای سرتیپ زاده - آقای فرخ - آقای فرمند - آقای بهادری - آقای دکتر فلسفی - مای پیشنهاد کرده ایم که رای با ورقه گرفته شود اینجامیخواستم آقایان محترم را متوجه بکنم که وقتی میخواهند رای با ورقه بگیرند اشخاصی که رای نمیدهند جزء رای دهندگان نیستند در رای با ورقه مطابق اصل هفتم قانون اساسی که میگوید: «هر چیزی که در مجلس مطرح میشود باید پیش از نصف حضار بر آن با قبول آن رای بدهند» یعنی اگر چیزی در مجلس مطرح میشود که باید بآن رای بدهند مثلا اگر در مجلس صد

نفر باشیم باید پنجاه و یک نفر یا رد بکنند یا تصویب بکنند این اصل هفتم قانون اساسی است (بعضی از نمایندگان - اینطور نیست) حالا بنده نمیخواهم اصل هفتم قانون اساسی را تفسیر کنم خواستم این را عرض کنم که آقایانیکه متشع هستند و امتناع میکنند صلاح نیست آقایان یا بایدرای برد بدهند یا بقبول و «امتناع» موضوعی ندارند (دستی - امتناع در حکم رد است) بنده خیلی از آقایان معذرت میخواهم که گزارش بنده قدری مفصل شده است و دلیل هم این است که چون کمیسیون دادگستری رأی بنسج تعقیب داده است يك قدری مفصل تر گزارش تهیه کردم برای اینکه مجلس شورای ملی روشن شود و دانسته و فهمیده بسیاری بخالفات بدهد یا موافقت کند این است که گزارش بنده مفصل شده است.

گزارش خود را بشرح آتی قرائت نمودند :

برای بازرسی پیمان هائی که بین اداره غله استان ۴۳ و بعضی پیمان کاران بضرر دولت منعقد شده بود هیئتی از وزارت دارائی تحت ریاست آقای اسمعیل کاتوزیان مامور تبریز می شود و تا آنجا که در قوه داشته تحقیقات خود را ادامه میدهد و در جواب سؤال هیئت نامبرده آقای سر تیب زاده رئیس کمیسیون خواربار سابق تبریز و نماینده فعلی مجلس نامه ای نوشته اند که آن قسمتی که در اینجا مورد استفاده است نقل مینمایم :

«یکروز قبل از شورش و بلوای که در ۲۴ اسفندماه ۱۳۲۱ راه انداخته آقای سر لشکر مقدم فرمودند برای فردا گندم نداریم و چاره باید کرد مغضن گفتیم همه نانواها را بعمارت شهرداری دعوت کنید من ایشان را با تصایح مؤثره و ادار کنم که چند روزنان شهر را اداره نمایند تا از اطراف گندم برسد بنا بر این نانواها حاضر شدند این جانب با حضور سرگرد وفا با خبازان مذاکره و در نتیجه متعهد شدند تا رسیدن غله نان شهر را بقیمت آزاد تامین نمایند و ضمناً باشخاص بی بضاعت بقیمت مناسب سیب زمینی داده شود و قرار شد مقدار کافی سیب زمینی شبانه بدست رئیس نانواها بگذارند تا صبح اسباب معطلی نشود فردا صبح شنیدم که آشوب برپا شد یکعده بعمارت استاننداری ازدحام و حمله کرده اند بلافاصله رفته دیدم آقای سر لشکر مقدم در عمارت شهربانی است و جمعیت کثیری در جلوی شهربانی ازدحام و داد و فریاد بلند کرده اند پس از ملاقات با سر لشکر مقدم آمدم جلوی جمعیت با ایراد نصایح لازم مردم را اسكات و مشغول متفرق کردن جمعیت بودم که ناگاه ینا باحضور سر لشکر، مستر و یویان بصیت آقای معنای مترجمش آمدم. بحضور سر لشکر وارد شدند در این موقع داد و فریاد سر لشکر بلند شد و برگشتم باعلاق دیدم آقای سر لشکر با مستر و یویان بنای خشونت گذارده و تنه می نمایند و میخواهد تمام علل و موجبات شورش را بگردن ایشان بیندازد (آقای پرورد رئیس تلگرافخانه و سایر آقایان هم بودند) میفرمودند باید قرارداد خدیوی را با مسئولیت من امضا نمائی آنچه تلاش بود کردم تا عصبانیت صوری سر لشکر رفع شود ممکن نشد و مستر و یویان را ملزم کردند که قرارداد خدیوی (سعدالسلطان) را امضا نماید بعداً محقق شد که علت واقعی تحریک مردم با انقلاب و تهییج بشورش همان قرارداد خدیوی بود که میخواهند با امضای مستر و یویان برسانند و پس از آن معلوم گردید که در انبار سیلو بالغ بر ۸۰ تن گندم موجود داشته و عمداً بدفتر انبار سیلو وارد نکرده بودند بالاخره با این توطئه قرار داد خدیوی را اجباراً با امضای مستر و یویان رساندند... الی آخر» خلاصه قرارداد خدیوی مورخ ۳۰ اسفند ۱۳۲۱ را برای استحضار آقایان نمایندگان عرض میکنم که ۱۵۰۰ تن گندم و ۵۰۰ تن جو را در مقابل هر یک تن گندم

مزار شهید کرم‌مصنق _____ ۳۲

۱۲۰ و هر یک تن جو ۹۰ کیلو قند مبادله نموده است. مدت قرارداد ۷۵ روز و محل تحویل میاندوآب - شهر ویران مهاباد بوکان و شاهین‌دژ بوده .

برای تغلف از تأخیر نسبت بهر یکتن ۵۰۰ ریال جریمه خدیوی بدهد و انحصار خرید قله هم در نقاط نامبرده با او باشد و چنانچه بیش از مقدار مزبور غنه تهیه نمود دولت ملزم باشد که بشراط فوق از او دریافت کند .

قرارداد مزبور نه رسمی بوده و نه ضامن اجرا داشته است .
گنشته از اینکه مقدار مهمی از گندم قراردادی بدولت نرسیده و خدیوی بواسطه تبانی با نانواها قند و شکر را گرفته است که بعد بشرح آن میپردازیم مقداری هم که بعد از انقضای قرارداد تحویل داده از جریمه تنی ۵۰۰ ریال معاف شده است .

این قرارداد سبب میشود که دیگران هم در صدد انعقاد نظیر آن بر آیند و بگانه کسی که موفق می‌شود آقای بزرگ ابراهیمی است که آقای حیدر اسماعیلی در جواب سؤال آقای اسمعیل کاتوزیان جریان انعقاد قرارداد ابراهیمی را اینطور شرح می‌دهد :

(پرونده ردیف ۶) در نتیجه بیش آمد ۲۶ اسفندماه ۱۳۲۱ نسبت بضیق خوار بار در شهر تبریز و کثرت گرسنگی مردم کیسیونی بنام کمیسیون مرکزی در سالون شهرداری تشکیل گردید و این کمیسیون بچندین کیسیونهای جزء تقسیم گردید که بنده هم بعیت آقایان سر تیمزاده و منبجی مامور تشکیل کیسیون خوار بار معین گردیدم و بلافاصله در تحت نظر تیسار سر لشکر مقدم جلسه خود را در اداره اقتصاد و خوار بار تشکیل دادیم و شروع بر رسیدگی حساب تعهدات و توقیف شدگان نمودیم تا اینکه جناب آقای تدین وزیر خوار بار وقت بتبریز تشریف آورده و روزی اعضای کمیسیون مرکزی را باستانداری دعوت فرمودند و در حضور اعضای کمیسیون نامبرده و عده‌ای از محترمین شهر فرمودند که مصرف ما در آذربایجان تا سر خرمن ۱۷ هزار تن است و از این مقدار ۱۲ هزار تن در اطراف موجود داریم فقط ۵ هزار تن کسر داریم و این مقدار را بطریق معامله آزاد از مردم خریداری نموده و باین طریق آذوقه شهرستان ها را تأمین خواهیم کرد و من حواله ششصد تن قند و شکر و ۱۲۰ هزار متر قماش را دادم که در مقابل هر تن گندم مقدار ۱۲۰ کیلو قند و شکر باشخصی که مایل بمعامله یاد دولت هستند بدهند ضمناً متذکر شدیم که ۱۲۰ کیلو جدا کثرت تصویب دولت است هر مقدار کم قبول نمایند البته مصرف دولت است و آقایان هم باید این نکته را در نظر گرفته و هر قدر مآخذ را پائین گرفته و باشخاص داوطلب بقبولاند البته تقدیر خواهند شد بعداً فرمودند از این مقدار ۵ هزار تن گندم مورد احتیاج ۲ هزار تن آقای شادبوی تعهد نموده اند که تحویل دهند باقی سه هزار تن را ۱۵۰۰ تن از قرار تنی ۱۲۰ کیلو آقای بزرگ ابراهیمی تعهد نموده اند که بزودی تحویل سیلو بدهند ۱۵۰۰ تن دیگر را آقایان اعضای کمیسیون خوار بار با تشویق و ترغیب اشخاص تهیه کنند و قرار داد تحویل را با اداره خوار بار و این اشخاص تدوین و تنظیم کنند تا اینکه افکار عموم آسوده بوده و آذوقه شهر تأمین شود آقای سر تیمزاده و بنده فردای همان روز در کمیسیون خوار بار حاضر و شروع با اقدام و تشویق اشخاصی که ممکن بود این مقدار را تهیه و تحویل دهند نمودیم در نتیجه آقای حاج معصوم شریانی در کمیسیون حاضر شد و اظهار داشت که من حاضر مقدار ۵۰۰ تن در مقابل تنی ۹۰ کیلو قند و شکر تحویل دهم و همچنین آقایان بلال کنتراچی و موفق الملک شقاقی نیز حاضر شده و هر کدام حاضر شدند حتی یابین ترازا این مآخذ (تقریباً ۸۵ کیلو) مقدار ۳۰۰ تن جو و ۵۰۰ تن گندم تحویل دهند و تقاضا نامه نوشته و بکمیسیون تسلیم نمودند و در ذیل تقاضا

نامه آقای سرتیپ زاده بنام رئیس کمیسیون خواربار موافقت خود را نوشته و با تلفن تیمسار سرلشکر اطلاع و مزده موقیت کمیسیون را دادند ولی آقای تیمسار سرلشکر با تلفن جواب دادند که با قهرمانی مذاکره کنید گویا اشکالی از قبول نمودن پیشنهادات فوق در بین است باین معنی که آقای بزرگ ابراهیمی تا ۴ هزار تن را تمهد نمودند و ماده‌ای در قرارداد دولت نوشته شده که کسی حق بستن قرارداد با دولت را دایر بتحویل گندم در مقابل قند و شکر بغیر از ابراهیمی نخواهد داشت لذا در نتیجه تحقیقاتی که بعمل آوردیم معلوم شد شب همان روزی که جناب آقای وزیر خواربار کمیسیون مرکزی و باستانداری دعوت و نسبت بهیه ۱۵۰۰ تن بقیه بطریق فوق توصیه و تأکید فرموده‌اند شب همان روز بقیه را نیز با آقای بزرگ ابراهیمی قرارداد بسته و عمل را خاتمه داده‌اند دیگر احتیاجی باشغاص منفرقه ندارند و بعداً دستور شفاهی دادند که آقایانی که باین مقدار حاضرند تمهد دهند مستقیماً با آقای ابراهیمی قرارداد داشته باشند و بایشان رجوع کنند چون غیر از آقای ابراهیمی دولت حق ندارد با کسی دیگر طرف شود.

چون سه نفر پیشنهاد دهنده نامبرده در بالا حاضر نشده با آقای بزرگ خان طرف شده و بایشان رجوع کنند از کمیسیون اعراض و دیگر حاضر نشدند بعداً طبق ابلاغ استانداری کمیسیون خواربار منحل و اعضاء آن بی کارهای شخصی رفته و بنده هم برای سرکشی املاک سراغه عازم شدم دیگر بعداً اطلاعی از جریان امر نداشت و مداخله هم ننموده‌ام. و قسمتی از نامه آقای سرتیپ زاده را هم که مربوط بجرایان قرار داد است نقل می‌کنم: «پیش از ورود آقای تدین وزیر خواربار کمیسیون مرکزی تشکیل شده بود آقای بزرگ ابراهیمی پیشنهاد کردند من حاضرم در مقابل ۹۵ کیلو قند و شکر یک تن گندم بسیلو تحویل دهم کمیسیون رد کرد درخاتمه جلسه آقای بزرگ ابراهیمی باز پیشنهاد کرد که حاضرم در مقابل ۷۵ کیلو قند یک تن گندم تحویل دهم باز پذیرفته نشد دو روز بعد از ورود آقای تدین کارمندان کمیسیون مرکزی بصارت استانداری دعوت و حضور بهم رساندند آقای تدین بعد از نطق مفصلی فرمودند خواربار آذربایجان را کاملاً تأمین کردیم پنج هزار تن کسر داشت که دو هزار تن قبلاً با آقای خدیوی معامله شده است و ۱۵۰۰ تن در مقابل هر تن ۱۲۰ کیلو قند و شکر بایک نفر معامله کردیم نمی‌دانم آن شخص این جاست یا نه (در این موقع آقای بزرگ ابراهیمی بلند شده تعظیم نمودند معلوم شد با ایشان معامله کرده‌اند) بعداً فرمودند ۱۵۰۰ تن را هم کمیسیون خواربار تهیه نماید بدین قرار خواربار آذربایجان در نظر آقای تدین تأمین شد

فردا دو کمیسیون بهیال علی کردن فرمایشات آقای تدین با چند نفر از آقایان مذاکره کردم آقای حاج معصوم خان شریانی که از مالکین عمده هستند حاضر شدند در مقابل ۸۰ کیلو قند یک تن گندم بمنهند پیشنهاد بلال کریبی که کمتر از ۸۰ کیلو داده بود عیناً خدمت سرلشکر مقدم فرستادم ایشان آن را گم کردند و بعداً بلال با آقای تدین تلگراف و موضوع را تعقیب نموده بود و ممکن است از خود نامبرده تحقیق شود. راجع با آقای حاج معصوم خان آقای سرلشکر جواب دادند که بعد از مراجعت از عمارت استانداری آقای تدین ۱۵۰۰ تن باقی را نیز با آقای بزرگ ابراهیمی قرار داد بسته و کلیه خرید گندم را بایشان انحصار کرده‌اند... الی آخر» با این شهود و پرونده ضخیمی که هست آقای تدین مسئولیت پیمان را در عهده خود نگرفته‌اند و بعد از اعلام جرم یکی از نمایندگان در مجلس یازدهم ای برای درج در مطبوعات تهیه کرده و رونوشت آن را بکمیسیون عرایض فرستاده‌اند

که عیناً نقل میشود: «آقای مدیر محترم روزنامه... خواهشمندم شرح زیر را در پاسخ خبری که ضمن گزارش بیست و پنجمین جلسه مجلس شورای ملی بعنوان اعلام جرم بر علیه این جانب در آن روزنامه درج شده بود بعنوان تکذیب و با اجازه قانون مطبوعات در اولین شماره درج فرمایند.

در خبر مذکور استاد دهنده مدعی شده است که اینجانب در زمان تصدی وزارت خوار بار بقصد استفاده شخصی بتبریز مسافرت و در آنجا ۵ هزار تن گندم از عبدالله خدیوی و بزرگ ابراهیمی خریداری و قیمت آن را از قرار هر تن مقداری قند و شکر تهویل نموده و چون این امر بدون مناقصه انجام شده است بضرر دولت یا بقول ایشان بنظور سوء استفاده بوده است.

گرچه برای کشف حقیقت و رسوا شدن مغتری در پیشگاه افکار عمومی مجال بسیار و دلایل بسیار است و خوشبختانه این جانب که تاریخ ۴۰ ساله خدمت خود را باین کشور بپاک دامنی و در کمال صراحت حفظ کرده‌ام نیاز عاجلی بابطال این گونه اباطیل مفرضانه نداشته و هر گونه تحقیقی را در مورد خود صمیمانه استقبال میکنم ولی برای اینکه قبل از هر تحقیقی بجامه ثابت شود آنچه در این باب گفته شده از مقوله داستان: «خسن و خسین هر سه دختران معاویه است» اجمالاً مسائل زیر را یادآوری میکند:

اولاً - مسافرت این جانب بآذربایجان در اثر پیش آمده بلوای تبریز و گریختن آقای ویویان امریکائی از مر که مسئولیت اداره خوار بار آن شهر و در اثر تلگرافات عدیده استانداری آذربایجان و تاکید امر دولت بوده نه بیبیل شخصی - تلگرافات موجوده در دفتر نخستوزیری و اخبار جرایم آن روز حاکی از این حقیقت است و چون اوضاع نان تهران نیز در آن موقع با بدترین وضعی مواجه بوده مسافرت و مراجعت اینجانب پیش از چند روز طول نکشید.

ثانیاً - معامله با عبدالله خدیوی را آقای ویویان مستشار امریکائی انجام و تاریخ آن هم ۲۷/۱۲/۲۱ بوده در حالی که مسافرت اینجانب بتبریز در فاصله ۱۸ تا ۲۲/۱۲/۱۳۲۲ یعنی بیست و چند روز بعد بعمل آمده است.

ثالثاً - موضوع قراردادیکه اداره خوار بار آذربایجان بریاست آقای قهرمانی در موقع اقامت ۴ روزه اینجانب در شهر تبریز با بزرگ ابراهیمی منعقد نموده فقط یک هزار تن گندم و ۵۰۰ تن جو و حسد اکثر جمعاً تا سه هزار تن گندم و جو بوده است نه ۵ هزار تن.

رابعاً - مبنای قرارداد اخیر بر اساس مبادله غله با قند و شکر نظیر قرارداد منعقد با خدیوی مقرراتی است که بقتضای آنها وزارت خوار بار تاسیس و بر اساس همین مقتضیات چه در زمان وزارت آقای فرخ و چه بعد از اینجانب میلیونها تومان بدون مناقصه صرف معاملات خوار باری از قبیل برنج و روغن و هیزم و غله و سایر مواد شده است با این وصف غریب است که فقط با اینجانب و در مورد یک قرارداد که اداره خوار بار تبریز در موقع مسافرت اینجانب منعقد ساخته و بوسیله آن امنیت یک منطقه بزرگ کشور و جان هزاران نفر مردم گرسنه را از خطرات آتی نجات داده تحت تاثیر اغراض شخصی و تحریکات خارجی دیگر صحبت از مناقصه میشود.

شاید با جعل اینگونه اکاذیب برای چند روز بتوان حقایق را بر مردم مشتبه ساخت لیکن باید دانست که بالاخره قضاوت افکار عمومی بر اغراض خصوصی غالب خواهد آمد.

خوارش دکتر مصدق - ۴۹۶

جواب باقی مطالب درجای خود گفته خواهد شد. فعلا همین مقدار قناعت میکنم. سید محمد تدین»
از تجزیه این بیانه ۴ مطلب بدست میآید:

۱ - مسافرت و توقف ۴ روزه آقای تدین در تبریز بر اثر تلگرافات هدیده آقای سرلشکر مقدم استاندار آذربایجان صورت گرفته و معلوم نیست که استاندار برای چه کار مسافرت وزیر خواربار را لازم دانسته است!

۲ - معامله خدیوی رأ که ویویان امریکائی انجام داده بود با اینکه ایشان وزیر خواربار بودند و از آن اطلاع داشتند و وسایل تحقیق و تعیین خسارت مهمی که از این معامله متوجه دولت شده بود در تبریز فراهم بود معامله مزبور را تأیید نموده اند.

اینجانب عقیده خود را نسبت به ویویان در اوایل این دوره یعنی در شانزدهمین جلسه مجلس شورای ملی اظهار نموده و تصور میکنم در این معامله بی نظیر نبوده است اگر ویویان نظری نداشت قبل از انعقاد قرارداد استقا میداد و یا بطوریکه فرار نمود فرار میکرد و برکزم که آمد سکوت اختیار نمیکرد و بر رئیس مافوق خود دکتر میلیسپو وقایع ۲۴ اسفند را گزارش میداد و میگفت که قبل از قرارداد خدیوی، آذرتیا رئیس دارائی مراغه طبق دستور خود ویویان يك تن گندم را با اشخاصی مثل قادر مقدم و ابراهیم واسحق و صالح عزیزی در تاریخ ۲۰ اسفند ۱۳۲۱ یعنی ۱۰ روز قبل از قرارداد خدیوی بطریق ذیل معامله نموده است که عین قرارداد ها در پرونده سرلشکر مقدم ضبط است

وجه نقد	۲۴۰ تومان
قند و شکر در حدود ۲۸ کیلو به قیمت رسمی	۳۰ تومان
قمش به قیمت رسمی	۲۰ تومان
چای	۱۰ «
قیمت رسمی بگتن گندم	۳۰۰ «

که نرخ روز در بازار آزاد بر طبق قلمدادی خود آذرتیا در پرونده سرلشکر - مقدم قیمت يك تن گندم بالغ به ۶۳۹ تومان میشود از اینقرار:

وجه نقد	۲۴۰ تومان
۲۸ کیلو قند و شکر از قرار هر کیلو ۱۲ تومان	۳۳۶ «
قمش دو برابر نرخ رسمی	۴۰ «
چای يك برابر و نیم نرخ رسمی	۱۵ «
جمع کل	۶۳۱ تومان

و با معامله خدیوی که يك تن گندم یا ۱۲۰ کیلو قند و شکر مبادله نموده و نرخ بازار آزاد از قرار هر کیلو ۱۲ تومان ۱۴۴۰ تومان میشود ۸۰۹ تومان فرق دارد و برای دولت سر تا پا ضرر است

هر گاه ویویان چنین گزارشی داده بود و عامه را از وقایع آگاه کرده بود تدین جرئت نمیکرد با ابراهیمی نظیر آن معامله را بکند و چه بطوریکه ملاحظه خواهید فرمود «گرافورد» هم حکم واریخت حساب را صادر کند.

(همیشه نمایندگان) آقایان خواهش میکنم قدری آهسته تر صحبت کنید من حواسم پرت میشود

دکتر رادمنش - جنابعالی هم بلند تر بفرمایید

۳- آقای تدین در بیانیه اظهار نموده است که قرارداد بزرگ ابراهیمی را اداره خوار- بار آذربایجان بریاست قهرمانی منعقد نموده بنابر این ایشان دو قرار داد نامبرده مؤثر نبوده اند.

مقتضی زاده - آقای رئیس، مجلس را ساکت کنید که بیانات ایشان را بشنویم.

نایب رئیس - مجلس ساکت است

۴- و نیز اظهار نموده که میلیون ها بدون مناقصه صرف معاملات خوار باری شده و قطع قرارداد مزبور که اداره خوار بار منعقد نموده مورد اعتراض میشود.

این است تجزیه بیانیه ولی باید دانست که قرارداد بزرگ ابراهیمی با تصویب خود تدین منعقد شده است و عین پیشنهاد ابراهیمی را که ذیل آن موافقت خود را نوشته است نقل می کنم تا آنهایی که بیانیه ایشان را خوانده اند از اشتباه در آئند و مجلس شورای ملی اگر حقیقت خود را نمایند این ملت و مملکت میدانند از دولت بخواهد که آمار تمام معاملات بدون مناقصه را تهیه کند و خسارتهای دولت را تعیین کند تا معلوم شود ۱۲۵ میلیون تومان بولی که وزارت خوار بار گرفته کجا فرو رفته است. اینک عین پیشنهاد:

۲۲ فروردین ۱۳۲۲

ریاست اداره غله استان ۴ و ۳

احتراما مصدع میگردد بنده بزرگ ابراهیمی حاضر است که حد اقل ۱۵۰۰ تن واحد اکثر ۳۰۰۰ تن غله دو تلت گندم و یک تلت جو در شهرستان های تبریز و اردبیل و مراغه طبق قرارداد آقای عبدالله خدیوی مبادله و تحویل نماید و نیز مستدعی است امر فرمائید مبلغ یکصد میلیون و پانصد هزار ریال وجه نقد بعنوان پیش پرداخت مرحمت نمایند که در موقع تحویل جنس بهر تنی مبلغ یکهزار ریال تحویل اداره خوار بار نموده و وجه قبوض را مستهلك نماید. بزرگ ابراهیمی

اداره غله استان ۳ و ۴ با این پیشنهاد موافقت میشود سید محمد تدین وزیر خوار بار ۲۲/۱/۲۲

مردم حساس آذربایجان که منتظر بودند وزیر خوار بار وارد شود و در امور گذشته تحقیقاتی کند و نان اهالی شهر که وسیله تأمین نظریات معدودی طباع و فاسد شده بود بصورت امید بخش در آورد و تشریحی در امور بدهد از ملاحظه جریان امور متزجر شدند و در اطراف این بیان ها حرفهایی گفتند و افکار عمومی را بخسارت دولت متوجه نمودند تا اینکه چندی بعد یعنی ۲۴ مهر ماه ۱۳۲۲ وزارت دارائی هیئتی برای بازرسی بحمل فرستاد و نتیجه تحقیقات آن هیئت که رسید تعقیب متهمین را از وزارت دادگستری تقاضا کرد.

نظر باینکه تعقیب وزیر اعم از اینکه حین تعقیب متصدی مقام وزارت و یا مفصل- باشد بر طبق قانون معاکه وزراء مصوب ۱۶ تیر ماه ۱۳۰۷ منوط باجازه مجلس است وزارت دادگستری گزارش نامبرده را بمجلس فرستاد و کمیسیون عرایض دای داد که آقای تدین تعقیب شود و چون کمیسیون دادگستری هم باید نظریات خود را اظهار کند کمیسیون نامبرده در جلسه اول مهر ماه ۱۳۲۲ هیئتی مرکب از سه نفر از اعضای خود بنام سو کمیسیون معین نمود که بیرونده و دلایل اتهام رسیده گی و نظریات خود را اظهار کند و سو کمیسیون اتهامات متنبه با آقای تدین را بطریق ذیل خلاصه می کند:

۱- پیمان مزبور بدون رعایت مناقصه و مزایده بعمل آمده

۲- ضامن اجرایی از پیمان کار نخواستند

۳- اشخاص دیگری مانند بلال کریمی و معصوم شریانیلو حاضر بوده‌اند که این معامله را با هر تن ۷۵ تا ۸۰ کیلو انجام بدهند ولی اداره بانها نداده و باقی بزرگ ابراهیمی داده

۴- تحویل جنس را در معطلهائی معین کرده‌اند که دولت در آنجا جنس موجود داشته و حال آنکه لازم بوده‌هه را تحویل تبریز قرار بدهند تا کرایه حمل و نقل بر دولت تحویل نشود

۵- پوآهایی که مقاطعه کار بخیاز داده است تا بابت اضافه قیمت محسوب بندارند قبض خیازها را اداره خواربار بابت گندم تعهدی پیمانکار بحساب قبول کرده و حال آنکه باید اداره جنس را از پیمانکار تحویل بگیرد و خود بخیازها بفروشد

۶- پیمانکار معادل ۱۳۴۷۲ کیلو آرد ذرت تحویل داده است که اداره خواربار آن را بجای آرد جو پذیرفته و قبول کرده است

۷- این خصوصیات دلالت دارد که آقای تدین مرتکب کلاه برداری شده و طبق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی قابل تعقیب است

سو کمیسیون گزارش خود را بسوق قسمت تقسیم نموده اول نسبت بجریان قضیه و بعد نسبت باتهامات شش گانه فوق اظهار نظر میکند که اینجانب هم طریقه اتخاذی هیئت مزبور را از دست نمی‌دهم و پس از ذکر عقیده سو کمیسیون نظریات خود را ذیل هر کدام بحرض مجلس شورای ملی میرسانم.

عقیده سو کمیسیون : در بهمن واسفند ماه سال ۱۳۲۱ استان اول - جریان قضیه سوم دچار مضیقه نان بوده بطوریکه ۱۸ هزار تن مصرف آنجا را تشخیص داده‌اند و ۱۵ هزار تن نیز مصارف دیگر وجما ۳۳ هزار تن حاجت بظله داشته‌اند اقدامات مأمورین جمع آوری غله مفید واقع و مؤثر نشده...

علیهذا آقای فرخ وزیر خواربار در بهمن ماه ۲۱ تبریز مسافرت کرده و دستور اکیه داده‌اند ولی گزارش رئیس دارائی و خواربار حاکی بعدم موفقیت است و در موقعی که آقای ویویان از طرف وزارت خواربار مأمور تبریز شد قراردادی جهت تحویل دو هزار تن غله با ۱۲۰ کیلو قند و شکر برای گندم و ۹۰ کیلو قند و شکر برای جو (یک تنک قند و دو تن شکر) با آقای عبده خدیوی متعهد ساخته بمذکک تأمین حوائج ضروری نشده تا آنکه در ۲۴-۲۵-۲۶ اسفند ماه ۱۳۲۱ اغتشاش و بلوای شدید برپا شده و مردم برای نداشتن نان بحسارت استانداری هجوم کرده‌اند در نتیجه بدستور سر لشکر مقدم کمیونی از وجوه اهالی در استانداری تشکیل گردید و موافقت کرده اند بهریک از خیازها بجای ۵۳۳ کیلو آرد قند سه تنک معادل ۲۲۵ کیلو آرد از طرف اداره غله داده شود و بقیه ۳۰۸ کیلو را از بازار آزاد خریداری کنند و بنرخ دولتی یا نظارت شهرداری بفروشند ولی تفاوت قیمت را که روزانه ۲۵۰۰ ریال برای هر دکان میشود و برای یکصد دکان جمأ روزی ۲۵ هزار تومان خیرن میشود از دولت بگیرند و چون اعتبار موجود در اداره خواربار نبوده مالکین و وجوه شهر اهائانی جمع آوری نموده و از ۷۶ هزار تومان که مردم بخیریه تبریز داده بودند برای این مقصود استفاده شده و از طرف استانه اجریان برکز گزارش و مبلغ دو میلیون ریال از وزارت خواربار ارسال شده که بترتیب مذکور عمل نباشد و چون ادامه این دروه رافع احتیاجات

گزارش دکتر مصدق ۲۱۹

نبوده در نتیجه تلگراف و گزارش استانداری و اداره خواربار در اوایل فروردین ماه ۱۳۲۲ آقای تدین وزیر وقت تبریز مسافرت کرده اند و در کمیسیون تأمین خواربار مقدار خواربار مورد حاجت و اقدامات خود را تذکر داده اند و بطوریکه آقای صد امامی و آقای سرتیپ - زاده شهادت داده اند آقای تدین احتیاج شدید اداره را بتهیه پنج هزار تن در جلسه کمیسیون خواربار تذکر داده و گفته اند که سه هزار تن بموجب قرارداد با ابراهیمی و دو هزار تن بموجب قرارداد با خدیوی تأمین خواهد شد.

بالاخره در تاریخ ۱۵ فروردین ۲۲ قرارداد سه هزار تن با ابراهیمی منعقد گردیده و چون پیمانکار سه روز مهلت تعویل جنس داشته است ولی از همان روز قرارداد تهیه نان و ادامه کار ناتوا ضرورت داشته از طرف اداره خواربار از ابراهیمی تقاضا شده که ۱۵۰ هزار تومان مساعده خود را بخیازها بدهد بابت اضافه قیمت جنس بطوریکه قبلاً کمیسیون تأمین خواربار مقرر داشته محسوب دارند و این پرداخت بموجب صورت حساب یا تکمیلی تبریز انجام گرفته و محاسبه بین پیمانکار و اداره خواربار در خاتمه مدت رسیدگی و تصفیه شده و بتصویب مستشاران امریکائی رسیده است معذک در تاریخ تصفیه محاسبه سند رسمی از پیمانکار گرفته اند که هر گاه در نتیجه رسیدگی بحساب ضرری متوجه دولت باشد پیمانکار از عهده برآید.

صرف نظر از اینکه بر طبق شهادت آقایان سرتیپ زاده و صد

نظریات اینجانب امامی آقای تدین در کمیسیون خواربار مقدار قرارداد با آقای

بزرگ ابراهیمی را ۱۵۰۰ تن گفته و سو کمیسیون سه هزار تن

نوشته است در تاریخ قرار داد هم سو کمیسیون اشتباه نموده و بجای ۲۲ فروردین ۱۵ فروردین نوشته است

از تجزیه اظهارات سو کمیسیون ۳ مطلب بدست می آید:

۱- انعقاد قرارداد و مبادله ۳ هزار تن غله با قند و شکر

۲- تأدیه ۱۵۰ هزار تومان مساعده بخیازان

۳- تصفیه حساب

اینک اینجانب نظریات خود را نسبت بهر يك از آنها عرض میروانم:

۱- انعقاد قرارداد ۳ هزار تن

آقای بزرگ ابراهیمی متعهد شدند بعد اقل ۱۵۰۰ تن غله با قند و شکر مبادله کنند چون نتیجه هر قرار دادی ممکن است برای یکی از طرفین مفید باشد و برای طرف دیگر نباشد.

راجع به ۱۵۰۰ تن حداقل با اینکه دولت بسیار متضرر شده و جهات آن معلوم است عجاناً عرضی نمی کنم و بعد وارد این موضوع می شوم

نسبت به ۱۵۰۰ تن دومی که قرارداد يك طرفی است یعنی پیمانکار را مخیر در مبادله و دولت را مجبور می کند که اگر پیمانکار حداکثر را خواست پردازد قبول کند عرض می کنم که پیمانکار وقتی وفای بعهده می کند که مبادله حداکثر برای او نافع باشد آقای تدین که مقصودی غیر از تأمین ارزاق نداشت و بقول خود تهیه سه هزار تن غله را لازم میدانست تا اینکه مصرف نان تبریز تأمین شود چطور اطمینان حاصل کرد که پیمان کار بتواند حداکثر را تحویل دهد اگر جنس ترقی می کرد دولت بچه عنوان میتوانست از بزرگ ابراهیمی برای مصرف شهر جنس بخواند؟ چون که قرار داد او را مکلف بتأدیه

محرار در کمتر مصدق ۳۳۰

۱۵۰۰ تن حد اکثر نکرده بود و آقای تدین این مقدار را از چه محل در نظر داشتند تا همین کنند ؟

بدیهی است که تعهد دولت برای قبول مقدار حد اکثر فقط در نفع پیمانکار بوده و مشارالیه از این نظر که نزدیک به رسید خرمن محتکرین نمی توانند غله را احتکار کنند و مجبورند بفروشند شرط حد اکثر را نموده و دولت را عقید کرده است کما اینکه پیش بینی پیمانکار بخود صورت عمل گرفت و از این شرط دولت متضرر شد و پیمانکار استفاده بسیار کرد از معاملات بزرگ ابراهیمی کسی نتوانسته است سر تر بیآورد و لسی راجع بیحسی از آنها که تحقیقاتی نموده اند حاکی است که این قرارداد سر تا پا بر ضرر دولت منتهی شده است .

ردیف ۱۳ پرونده حاکی است که با بلال کریمی که داوطلب معامله بوده و پیشنهاد او را راجع مبادله يك تن گندم با ۸۰ کیلو قند و شکر ترتیب اثر نداده اند و شکایت می کرده در ۲۸ فروردین یعنی ۶ روز بعد از موافقت آقای تدین با قرارداد ابراهیمی پسانی منعقد نموده که ۵۰ تن غله در خود شهر تبریز تحویل دهد و هر يك تن غله را با ۱۰۰ کیلو قند و شکر مبادله کند و چون بنا باظهارات آقای صد امامی بلال میخواست با دولت مقدار مهمی معامله کند اگر مبادله يك تن غله با ۱۰۰ کیلو قند و شکر نظریات ابراهیمی را تا همین می نمود با اویش از این مقدار معامله میکرد .

و نیز ردیف ۱۷ پرونده حکایت میکند که چون آقای پرورز رئیس پست و تلگراف نمیخواست برای حفظ مقام خود وارد معامله شود آقای حمید احسانی از طرف او با تیمور عزیزیان قرارداد می منعقد نمود که مقدار ۵۰ تن گندم هر تن با ۹۲ کیلو قند و ۲۵۰ تن جوهر تن با ۷۷ کیلو شکر مبادله کند و غله را بپسور عزیزیان در خود اردبیل یا در اطراف آن (پله سوار و گرمی و مشکین شهر) تحویل دهد و در اول اردیبهشت آقای بزرگ ابراهیمی بریاست اداره خواربار مینویسد که ۵۰۰ تن تحویلی نماینده آقای پرورز را بحساب ایشان بگذارند (پرونده ردیف ۹) قرارداد رسمی شماره ۲۲۴۷۲ دلالت میکند که ابراهیمی یا ارشد همایون ۲۵۰ تن غله قطعی و ۲۵۰ تن احتمالی در مقابل هر تن ۱۰۰ کیلو قند و شکر معامله نموده است (پرونده ردیف ۱۵)

و نیز قرار دادی با خسرو مقدم راجع به ۲۰۰ تن غله هر تن با ۱۰۰ کیلو قند و شکر (گزارش ۶۰ کاتوزیان صفحه ۴) که این معاملات را ابراهیمی برای اسکات بلال کریمی و اجرای توصیه سر لشکر مقدم نموده است تعجب در این است که با اینکه ارشد همایون با ابراهیمی يك تن در مقابل ۱۰۰ کیلو قند و شکر معامله نموده بود طبق نامه شماره ۸۰۳۲-۱۰ خرداد ۲۲ سر لشکر مقدم، قهرمانی رئیس اداره غله با ارشد همایون معامله دیگری بتناسب يك تن گندم با ۱۲۰ کیلو قند نموده است (ردیف ۱۳ پرونده و صفحه ۱۶ گزارش شماره ۶۰ آقای کاتوزیان) .

۴. تأدیه ۱۵۰ هزار تومان مساعده

برای اینکه پیمانکاران وجهی برای خرید غله داشته باشند مقدار مهمی قند و شکر برسم مساعده با آقایان خدیوی و ابراهیمی داده شده بود که آنرا در بازار آزاد بفروشند و قیمت آنرا با شخصی که غله تهیه میسازند بپردازند و بتدریج که غله را پیمانکار تحویل میدهد باز قند و شکر بگیرد و این عمل را در مدت قرارداد تکرار کند تا اینکه تعهدات خود را اجرا نماید

در بیان آقای خدیوی وجه نقد برسم مساعدہ پیمانکار داده نشده و فقط در پیشنهاد آقای ابراهیمی آقای تدین وزیر خواربار وقت ۱۵۰ هزار تومان برای ایشان برسم مساعدہ تصویب نموده است!!

از اینکه سو کمیسیون اظهار می کند: «چون از همان روز قرار داد تهیه نان و ادامه کار نانوا ضرورت داشته از طرف اداره خواربار از ابراهیمی تقاضا شد که ۱۵۰ هزار تومان مساعدہ خود را بعبازها بدهد... الی آخر...»

این طور استنباط میشود که آقای ابراهیمی مبلغ مزبور را برای اینکه بعبازان بدهد پیشنهاد نکرده است و بنا بر تقاضای اداره خواربار وجه مزبور را بآنها داده است که اینجانب نظریات خود را در اینکه لازم بوده است وجهی بعبازان داده شود یا نه در قسمتی که راجع بنکرفتن ضامن از پیمان کار بحث میشود عرض میکنم.

۳- تصفیة حساب

اینکه سو کمیسیون دادگستری می نویسد: «معاسبه بین پیمانکار و اداره خواربار در خاتمة مدت رسیدگی و تصفیہ شده و بتصویب مستشاران امریکائی رسیده...» است لازم می دانم که نامه بدون تاریخ آقای تدین و نامه شماره ۳۳۱۸۵ مورخ ۲۹/۶/۲۲ اداره کل غله و نان را که ایشان دلیل برائت خود می دانند در اینجا نقل کنم تا آنهایی که عقیده به شکار دارند و یگانه امیدشان این است که یگانگان در این ملک اصلاحاتی نمایند آن را مطالعه کنند و بین حاصل نمایند که غیر از ایرانی کسی بایران علاقمند نخواهد شد و خوشوقت باشند از اینکه باز کسانی هستند که تسلیم اوامر خلاف مصالح ملک نیستند و از منافع دولت دفاع می نمایند و یکی از آن اشخاص آقای مجید زاده پیشکاردارائی آذربایجان است که با حکم صریح نامبرده راجع بتصفیہ حساب پیمانکاران چون تصفیہ را برخلاف مصالح ملک تشخیص داد و با قدرت مستشاران امریکائی نمی توانست تردد کند از پیمانکاران سند رسمی گرفت که اگر در نتیجه رسیدگی معلوم شود خسارتی متوجه دولت گردیده است پیمانکاران از عهده غرامت برآیند. (گزارش شماره ۲۱۵ کانوزیان صفحه ۱۷) اینک عین نامه ها:

اینک عین نامه ها:

۱- نامه آقای تدین با آقای نبوی نماینده مجلس و عضو کمیسیون دادگستری

خدمت جناب مستطاب اجل آقای نبوی نماینده محترم مجلس شورای ملی
تذات شوم - نظر باینکه شاید در موقع شور گزارش کمیسیون دادگستری در مجلس شوری احتیاجی بذکر عمل گرافورد مستشار آمریکائی در خصوص تصفیہ امر قرارداد های خرید غله در آذربایجان باشد اینک رونوشت حکم واجمع بواربخت حساب و تصفیہ امر که بامضای گرافورد و آقای اسدی رسیده و در همان تاریخ بموقع اجرا گذاشته شده است ایجاد گردید بانجهد احترامات فائده - سید محمد تدین

۲- حکم گرافورد و آقای اسدی معاون ایشان شماره ۳۳۱۸۰ - مورخه ۲۹/۶/۲۲

اداره خواربار استان ۴ و ۴ تبریز

گزارش شماره ۱۴۰۹۹ مورخ ۲ ماه جاری آن اداره راجع قراردادها باینکه با اشخاص مختلف برای خرید غله در برابر قند منقذ شده است و اصل و مندرجات آن مورد مطالعه کامل قرار گرفته و حتی برای مزید غور و دقت در کمیسیون نیز مطرح و تحت شور واقع و در نتیجه

چنین تصمیم گرفته شد که چون نظر دولت بطور کلی جمع آوری غله بوده و پرداخت قند در برابر آن صرفاً برای تشویق بوده است و از طرفی قند مصرف شده از میزان سهمیه عمومی کسر گردید بنابراین صرفه دولت که عبارت از انجام منظور بوده است حاصل می باشد باین جهت لازم است حساب کلیه فروشندگان را تسویه و در برابر آنچه جنس تحویل داده اند بساخته معینه در قرار داد از قند موجود در آن اداره تسلیم و حساب را وارپخت نمایند و البته کسر و یا اضافات تحویلی نسبت بمقدار قرارداد را نیز مانند اصل قرارداد محسوب خواهند داشت البته قیمت قند از یکطرف مانند فروش جزء درآمد قیمت قند و شکر و چای و از طرف دیگر مانند هزینه غله منظور خواهد شد. اداره کل غله و نان

امضاء گرفتار و رئیس اداره - امضاء اسدی معاون اداره

بخط آقای تدین در ذیل نامه: «توضیح آنکه در تاریخ فوق اینجانسب و وزارت خواربار

نیوده ام و وزارت خواربار بکلی منحل بوده است»

راجع بمندرجات این نامه اگر نظر دولت جمع آوری غله بوده پیمانکار غله را میبایست در نقاطی که دولت برای مصرف اهالی احتیاج یغله داشت تحویل دهد نه اینکه مخیر باشد هر کجا که جنس ارزان است بخرد و دولت را گرفتار انبار داری نماید. جمع آوری غله در اردبیل و اطراف آن که دولت بواسطه عدم وسایل نقلیه قادر بعمل نبود و نگاهداری جنس در آنجا تاخر من سال بعد که جنس تنزل کرده است برای دولت جز ضرر چیزی نبوده است و پرداخت قند هم که در بازار آزاد متجاوز از ۱۰ برابر قیمت رسمی معامله میشد برای تشویق نبوده بلکه برای پر کردن جیب پیمانکار و شرکاء بوده است. و چیزی که بیشتر مورد تعجب می شود این است که مینویسند: «قند مصرف شده از میزان سهمیه عمومی کسر گردیده بنابراین صرفه دولت که عبارت از انجام منظور بوده است حاصل می باشد» اگر صرفه دولت این بود که از میزان سهمیه عمومی کاسته شود پس تهیه غله هم برای مصرف نان شهر ضرورت نداشته است. (در این موقع بواسطه کافی نبودن عده جلسه از اکثریت افتاد)

نایب رئیس - (خطاب به آقای دکتر مصدق) قدری تأمل فرمائید تا اکثریت حاصل

شود (پس از مختصر تأملی اکثریت حاضر شد) فرمائید. دکتر مصدق

دویم - اظهار نظر راجع باتهامات و دلایل

۱ - عدم اجرای مقررات راجع بمنافسه

«ایراد باینکه پیمان با ابراهیمی بدون رعایت منافسه و مزایده

عقیده سو کمیسیون بوده است و اردنیست زیرا بموجب قانون مصوب ۴ خرداد ماه ۱۳۲۹

برای خرید غله و سایر مواد خواربار و تأمین وسائط نقلیه بمنظور

تهیه ارزاق محل بدولت اجازه داده شده هر اقدامی را که لازم بدانند بموقع اجرا

بگذارند و لهذا در حالت ضرورت و لزوم تسریع در عمل مبادله جنس بجنس و قطع قیمت

از طرف خواربار برخلاف قانون نبوده و لهذا قرارداد مورخه ۱۵ فروردین ۲۲ داخل

در مدت اعتبار ماده واحده انجام شده و حاجتی بمزایده و منافسه نداشته است خاصه

آنکه نظیر همین پیمان و با همین مقدار جنس قبل از تصدی آقای تدین در اسفند ماه ۱۳۲۹

یاستناد همان قانون از طرف آقای ویویان با عبدالله خدیوی بسته شده بود و چون نازمان پیمان

دویم بیش از ۱۰۰ تن تحویل نشده و رفع احتشاش شده حاجت بتهیه جنس داشته لذا پیمان دوم

ضروری بود»

هر گاه اظهارات فوق تجزیه شود این جانب باید نظریات خود را در دو موضوع عرض کنم :

اول راجع باینکه قانون ۴ خرداد ۲۱ بمقررات قانونی راجع بمزایده و مناقصه وارد و با حاکم است و یا نیست و بعد راجع باینکه آیا سابقه خلاف قانون و خلاف مصالح جامعه مارتک عمل عمال دولت میشود یا نمیشود. - اینک نظریات اینجانب :

الف) - قانونی وضع نشده که بمقررات قانونی مناقصه و مزایده حاکم و وارد باشد
سو کمیسیون اول اشاره بقانون مصوب ۴ خرداد ۱۳۲۱ میکند که قانون مزبور مشتمل بر ۱۸ ماده و در آن قانون گذار تعریف احتکار و کیفر آن را تعیین می کند و آئین نامه آن که مشتمل بر ۲۲ ماده و تقسیم به ۵ فصل میشود که در قانون و آئین نامه مزبور ذکر از مقررات قانونی راجع بمناقصه و مزایده نشده و بعد سو کمیسیون از ماده ای که تاریخ تصویب آن را معین نموده و این جانب بعد از مباحثه با مآخذ ۲۴ خرداد ۱۳۲۱ میباشد مذاکره میکند که ماده مزبور را عیناً نقل میکنم و بعد نظریات خود را عرض می رسانم اینک ماده یگانه : « مجلس شورای ملی برای خرید و جمع آوری مازاد غله و سایر مواد خواربار و تأمین وسائل نقلیه بمنظور تهیه ارزاق عمومی از تاریخ تصویب این قانون تا آخر مهرماه ۲۲ بدولت اجازه میدهد برای مواردیکه در قانون احتکار و آئین نامه آن پیش بینی نشده است هر اقدامی را که لازم بداند بوقع اجرا بگذارند کیفرهای ضروری نیز در این باب (در حدود کیفر های مقرر در قانون احتکار) از طرف دولت اعلام و اجرا خواهد گردید»

از ملاحظه این ماده خوب معلوم میشود که قانون مزبور منظم هر اختیاری که فرض شود مجری آن دولت است زیرا قانون گذار فعل را شخص سوم جمع آورده و میگوید « هر اقدامی را که لازم بداند بوقع اجرا بگذارند» پس آقای تدین که یکی از اعضای دولت بوده بدون تصویب دولت اقدامی نمی توانسته است بکند .

ب) - سابقه خلاف قانون و غلط ملاک و مدارک عمل بعد نمیشود
یکوزیر وقتی که از مرکز بخارج مسافرت می کند برای این است که در امور محلی سرکشی نموده نیک و بد اوضاع را بفهمد و راجع بحسن جریان امور آنچه و در قوه دارد بعمل در آورد .

آقای تدین قبل از حرکت می دانست که قراردادی بین اداره خواربار و عبدالله خدیوی منعقد شده و البته از جهات انتقاد آنهم چیزهایی شنیده بود چه شده که قبل از موافقت با قرار داد ابراهیمی با اشخاص خیرخواه و مطلع مشورت نمود و آنچه که در کمیسیون از او نقل قول شده قناعت کرده؛ یکی از وظائف اولیه وزیر این است بکاری که برخلاف قانون شده رسمیت ندهند و این قبیل امور را تا حد امکان لغو کند نه اینکه کار خلاف قانون دیگران و کاری که برای جامعه مضر بوده است ملاک عمل خود کند!!

ج) - آقای کاتوزیان در صفحه ۱۷ مزارش شماره ۶۰ خود می نویسد:

«... در صورتیکه خواسته باشیم سایر معاملات اداره خواربار و بعضی از معاملات های بزرگ ابراهیمی را مورد توجه قرار دهیم ملاحظه میشود که معاملات مزبور با اینکه بدون تشریفات مقرر انجام شده و پیمانکاران در حالی که در تبریز تحویل داده اند تنی ۱۰۰ کیلو قند و شکر دریافت نموده اند در اینصورت ۸۶۲۸۰ کیلو قند بابت گندم تحویلی بضرر دولت تمام شده مضافاً باینکه بایستی کرایه حمل از اردبیل و مراغه و مهاباد و غیره را هم جزو خسارت دولت محسوب کرد.»

در صورتیکه معاملات خارج از تبریز را مورد توجه قرار داده و خواسته باشیم ضرر دولت و احتساب بنائیم باید معامله آقای پرورز (۵) رئیس پست و تلگراف را با تیمور هریزیان ملاک عمل قرار دهیم در معامله مزبور هر تن گندم با ۹۲ کیلو و هر تن جو با ۷۷ کیلو قند و شکر مبادله و روی این اساس فقط در معامله آقای بزرگ ابراهیمی معادل ۸۲۵۲۲ کیلو قند و شکر ضرر دولت تمام شده است.

که این مقدار قدری اگر هر کیلو ۱۰۰ ریال حساب کنیم از معامله بزرگ ابراهیمی فقط راجع بدم مناصه دولت ۸۲۵۲۲۰ تومان متضرر شده است.

۴- راجع بضعات اجراء

« ایراد اینکه ضامن اجرائی » از مقاطعه کار گرفته نشده در حدود عقیده سو کھیسیون قانون کيفر قابل تعقيب بشمار نچرود خاصه آنکه مساعده پرداخته شده بمقاطعه کار بموجب چک بانک ملی مورخ ۲۲ فروردین ۱۳۲۲ از حساب ۹۰۸۲ اداره خوار بار تبریز در وجه بزرگ ابراهیمی پرداخته شده و در همان روز ۲۲ فروردین هزار و سیصد و بیست و دو بموجب چک ۵۰۷ از طرف ابراهیمی در وجه حاج حسن حجازی و یوسف وزین العابدین رؤسارسته خباز جهت مازاد قیمت گندم و بیست روزانه آنها پرداخت شده که صورت حساب بانک ملی تبریز حاکی از آن است علاوه مقاطعه کار تعهدات خود را تدریجاً انجام میداد برای هر نوبت تحویل عوض را دریافت می کرد و در صورت تخلف اجرائی در قرارداد بر عهده پیمانکار مقرر شده لهذا ایراد عدم اخذ ضامن اجرائی وارد نیست »

کسانی که اصالتاً برای خود معامله می کنند وقتی طرف معامله نظریات اینجانب مورد اطمینان آنهاست ممکن است از ضامن صرف نظر کنند و معامله را باعتبار قول و یا امضای طرف مقابل تمام کنند ولی وقتی برای غیر معامله می کنند آنها « دولت » باید نهایت دقت را بعمل آورند که موجب بلامت و ضمانت نشوند و مواردیکه ذیلایان می کشم ثابت می کند که اگر از پیمان کار سند رسمی و ضامن تقاضا شده بود یا معامله صورت نمی گرفت و چنانچه صورت می گرفت دولت آنقدرها ضرر نمی کرد.

الف- هر گاه از پیمان کاران ضامن اجرا گرفته شده بود هرگز جرئت نمی کردند که در مقابل جنس قبض نانو تحویل دهند و شرح قضیه این است که مصرف روزانه هر نانو در تبریز ۶۰۰۰ کیلو آرد بوده که در اثر نکت موجودی غله در سیلو کھیسیون خوار بار قرار می دهد بهر یک از آنها ۴۰۰۰ کیلو بدهند و ۲۰۰۰ کیلو باقی را خود آن هادر بازار آزاد تهیه کنند و نان را بشرخ دولتی بفروشند و مابه التفاوت آنرا دریافت نمایند و در این موضوع آقای سرنیپ زاده رئیس سابق کھیسیون خوار بار در جواب سؤال آقای کاتوزیان این طور می نویسد: (پرونده ردیف ۲۵)

۵) تاریخ شروع تحویل غله از طرف آقای پرورز بانبار های دولتی ۱۵ اردی بهشت بوده گزارش ۳۴۷ آقای کاتوزیان و صورت مجلس ضمیمه یمنی چند روز بعد از ۲۲ فروردین که قرارداد ابراهیمی منقذ شده بدین است که انعقاد قرارداد زودتر بوده و معامله رئیس پست و تلگراف هم البته با سایر معاملات فرق داشت زیرا او هم سهم خود استفاده نموده است (از اصل نطق)

مقدار مهم بعنوان مابه‌التفاوت داده شده در حالی که کشف حد بزرگ و حقیقت موضوع یکسری ممکن نیست زیرا فروشنده و خریدار در واقع یک دست بوده آن هم دست آقای مقدم معین و مقرر شده بود که بهر نغری روزانه ۵۰۰ گرام نان داده شود ولی اکثراً بهر نغری روزانه ۱۰۰ یا ۲۰۰ و گاهی ۳۰۰ گرم می دادند و اداره خواربار از غله تعهداتی که بعداً بانبار سیلومی رسید بهر یک از خبازان ۲ کیسه آرد می داد و معلوم بود بهمان آرد تحویلی دولت اکتفا شده است... کسر جیره مردم بین خبازان و متعاقبین قرارداد بنام مابه‌التفاوت معامله و رسید اخذ و عیناً با اداره تسلیم می شد که در مقابل آن قند و شکر می گرفتند.

اگر آقایان تمام ۵ هزار تن مورد قرار داد را صحیحاً تسلیم و تحویل می کردند بهیچوجه از جیره مردم کم کسرو نیشد»

ب)- آقای غنای مدیر کل بازرسی دارائی در گزارش شماره ۱۹۰۸۶۵-۱۰۰ دیماه ۱۳۲۲ صفحه ۲ می نویسد: «گندم و جوئی که نانواها بابت تامین کسر مصرف خود از بازار آزاد تهیه کرده و به مصرف نان شهر رسانیده بودند چنانچه بالغ بر ۱۰۳۵ تن می شد که جزو تحویلی دونفر پیمانکار خدیوی و ابراهیمی بحساب آورده و در قبال هر تنی گندم و جو به آن ها قند و شکر به میزان مذکور در پیمان می دهند منتها در جلسه ای که یاشرکت استنادار آذربایجان در اداره خواربار تشکیل شده بود مقرر می شود که قند و شکر که در قبال گندم و جو طلب نانواها بیسمان کاران داده شده از قرار کیلومی ۷۰ ریال نرخ بازار تسعیر و از بهای آن طلب نانواها پرداخت و بالاخره بهمین کیفیت عمل و مطالبات نانواها را باین طریق پسرداخت و مقدار گندم و جو مذکور در بالا را که نانواها خریده بودند بحساب تحویلی آقایان خدیوی و بزرگ ابراهیمی می آورند»

صورت مجلس ۸ اردیبهشت ۱۳۲۲ (پرونده ردیف ۵) که آن را سر لشکر مقدم و بزرگ ابراهیمی و عبدالله خدیوی امضا نموده اند حاکی است که نانواها یک تن آرد را مبلغ ۱۱۷۴ تومان خریده اند و چنانچه ۱۲۰ کیلو قند را از فرار هر کیلو ۷۰ ریال تسعیر کنیم ۸۴۰ تومان میشود بنا بر این معلوم نیست که نانواها مبلغ ۳۳۴ تومان بقیه را از چه معنی جبران کرده اند و نانواها برای چه حاضر شده اند از عین قند که در بازار آزاد دو برابر قیمت داشت صرف نظر کنند و برای هر یک کیلو قند ۷۰ ریال دریافت نمایند!!

ج)- آقای کاتوزیان در گزارش شماره ۲۱۵-۱۹۰۸۶۵-۱۰۰ ۳۲۲ صفحه ۱۳ می نویسد: « آقای بزرگ ابراهیمی و همچنین آقای خدیوی موظف بوده اند گندم و جو بانبار تحویل نمایند نه اینکه بول نانواها تحویل بدهند و شکر دریافت نمایند بنظر بنده در صورتیکه عمل آقایان در دادگاه صلاحیتدار مطرح شود آقایان پیمانکاران بایستی قند و شکر که در قبال بول تحویلی بنانوا از اداره خواربار تحویل گرفته اند مجدداً با اداره خواربار مسترد و بول خود را دریافت نمایند این قسمت کاملاً بصره و صلاح دولت است زیرا بهای قند و شکر هر کیلو ۷۰ ریال الی ۸۰ ریال احتساب و بنانوا پرداخته شده ولی اکنون قند و شکر در بازار کیلومی متجاوز از ۱۸۰ ریال است... الی آخر»

د)- بنا بر آنچه مذکور شد نانواها برای خرید جنس بوجه قند احتیاج نداشتند و بر فرض لزوم پیمانکار می توانست از قسمت ۱۵ تن قند و شکر که برسم مساعدت گرفته بود بنانواها بدهد و این کار را در مدت قرار داد که ۱۰۰ روز بود از بابت قند و شکر دریافتی تکرار نماید.

۴ - عدم توجه پیشنهادات بلال کریمی و معصوم شریانیانو

« ایراد باینکه بلال کریمی و معصوم شریانیانو حاضر بوده اند بکسر عقیده سوگمبسیون از این مبلغ معامله کنند بجهانی که ذکر میشود وارد نیست: اولاً بلال کریمی در تحقیقات مورخه ۸/۱۰/۱۳۲۲ هیئت بازرسی اعتراف دارد که بعد از معامله خواربار با ابراهیمی نزد آقای سرلشکر مقدم رفته و پیشنهاد کرده اند که کمتر از ۱۲۰ کیلو و ۹۰ کیلو شکر حاضر است معامله کنند بدیبهی است پیشنهاد موخر از انجام قرارداد قابل قبول نبوده و بخصوص که آقای بلال کریمی در آخر تحقیقات مزبور اظهار می کند که «هیچده لنگه ذرت پاداره خوار بار آورده که بجای جو تحویل دهد ولی اداره از قبول آن خوداری کرده بطوریکه هنوز ذرتهای او در اداره است» و این جمله می رساند که مشارالیه بنسبت مذکور رنجش و کسورتی از رئیس خواربار داشته و نیز آقای شریانیانو در تحقیقات مورخه ۸/۱۰/۱۳۲۱ تصدیق دارد که برای این معامله پیشنهاد کتبی نداده و روز بعد از امضای قرارداد با ابراهیمی بکمتر از این مقدار حاضر بوده و نیز تلگرافی که بعنوان شکایت کریمی از عدم قبول پیشنهادات او شده رونوشت بنخست وزیر و وزیر خوار بار بوده مورخه ۲۸/۲/۲۲ می باشد و حال آنکه پیمان با ابراهیمی در ۱۵ فروردین ۲۲ امضا شده و رسیدگی هائی که برای پیدا کردن پیشنهاد کتبی مشارالیه شده حاکی است که پیشنهاد تحویلی با ۷۵ کیلو در تاریخ ۲۶/۴/۲۲ شماره ۹۶۰۳ بدفتر خواربار داده شده بدیبهی است بعد از ۳ ماه از پیمان با ابراهیمی و تحویل شدن جنس و ورود سال جدید و بارندگی تنزل قیمت حاصل شده و نگرانی مرتفع گردیده لهذا نمیتوان این اظهارات را که تاریخاً موخر از پیمان ۱۵ فروردین ۲۲ می باشد دلیل سوء نیت در معامله اولی دانست و هیچگونه دلیلی وجود ندارد که در تاریخ مقدم بر پیمان ابراهیمی کتبا یا شفاهاً با آقای تدین پیشنهاد بکمتر از ۱۲۰ کیلو کند و ۹۰ کیلو شکر داده باشد»

قرارداد هائی که آقای ابراهیمی با بلال کریمی وارد شد همابون و نظریات اینجانب برورز و خسرو و مقدم منعقد نموده دلالت دارد که در زمان انعقاد پیمان دیگران حاضر بوده اند کمتر از ۱۲۰ کیلو قند و شکر معامله کنند و عدم اجرای تشریفات مناقصه و تحویل در انعقاد پیمان موجب خسارت دولت شده و آقای تدین باید جواب دهند که برای چه از تشریفات مناقصه صرف نظر کرده اند؟؟

۴- راجع بتحویل غله در خارج از تبریز

« راجع بتحویل جنس در تبریز و مراغه و اردبیل اشکال اداره - عقیده سوگمبسیون: بازرسی وارد نیست زیرا وسایل حمل و نقل در انحصار دولت بوده و اشخاص وسیله ای برای حمل و نقل نداشته اند بعلاوه مصرف جنس در مراغه و اردبیل جهت تحویل بنیروی شوروی مورد حاجت بوده و از این حیث ضروری متوجه نبوده است بخصوص که مصرف و مقدار مورد حاجت ۳۳ هزار تن بوده و معامله سه هزار تن جهت جبران کسر مصرف در نقاط نامبرده میباشد.»

پیمان آقای ابراهیمی فقط از نظر تأمین مصرف شهر تبریز منعقد شده بود و آقای تدین وزیر خواربار وقت اطلاع داشت که اگر دولت وسایل نقلیه نداشت خرید جنس در نقاط خارج از شهر هرگز

مصرف آن شهر را تامین نینمود مبادله غله یا قند میزان چیره بندی قند را که آنهم مورد احتیاج عمومی بود کم میگردند مدارک ذیل حاکی از این معناست:

الف - قهرمانی رئیس اداره غله استان ۳ و ۴ در شماره ۵۶۷۵ - ۱۰ خرداد ۳۲۲ با آقای ابراهیمی این طور میگوید: «متصود از پیمان ۱۴۸۱ - ۲۲ فروردین ۳۲۲ تامین کسر مصرف نان شهر تبریز بوده نه خرید و نگاهداری جنس در نقاط مرزی مانند بیله سوار و گرمی و مشکین شهر و ارسباران زیرا در این نقاط خود اداره مقداری جنس موجود دارد که فعلاً قادر بحمل نیست و جنس خریداری در نقاط مرزی امروز بندر شهر تبریز نخواهد خورد»

ب - تصدیق آقای هارطونیان رئیس قند و شکر اداره خوار بار مورخ ۸ دی ماه ۱۳۲۲ (ردیف ۱۶ پرونده) راجع باینکه «آقای ابراهیمی متعهد شده بود در شهرستان های اردبیل - تبریز - مراغه تحویل دهد که فقط تبریز کسری مصرف داشته و در نقاط باقی (مراغه و اردبیل) اضافه بر مصرف داشتند»

ج - تلگراف شماره ۱۱۶۳۹ - ۲۸ خرداد ۱۳۲۲ آقای تدین بخوار بار تبریز حاکی است که «بامقامات شوروی در مرکز مذاکره شده آنها یا تحویل گرفتن جواز محصول سال جدید مخالفت ندارند»

د - در صورتیکه در محل های مزبور بیش از مصرف محلی غله بوده و موقع قرارداد ابراهیمی هم نیروی شوروی احتیاج بقله نداشته و حاضر بوده اند که از محصول آتیه استفاده کنند انعقاد قرارداد برای اینکه جنس را در اردبیل تحویل دهد صرفاً از نظر تامین منافع اشخاص بوده است بر فرض اینکه دولت برای نیروی شوروی احتیاج بجنس داشت میتواند با حفظ صلاح و صرفه معامله کند که اینک در ۲۲ تیرماه ۳۲۲ اداره غله استان ۳ و ۴ با سر - تضری ۱۵۰۰ تن غله دو سوم گندم و یک سوم جو تحویل اردبیل - مفان - اجارود در قبال ۷۰٪ قند و بقیه بهاء نرخ دولتی (خرواری ۳۰۰ تومان) وجه نقد معامله نموده است و احتیاج نبود که در ۲۲ فروردین ۳۲۲ با ابراهیمی یک تن گندم را مقابل ۱۲۰ کیلو قند و یک تن جو را در قبال ۹۰ کیلو شکر مبادله کنند و گذشته از اینک موجب خسارت دولت بشوند از مقدار چیره بندی هم بکاهند

۵ - راجع بخرداری غله توسط خبازان

«راجع پولی که مقاطعه کار بخیازها داده است ایراد وارد نیست عقیده سو کمیسیون؛ زیرا اتضاد این رویه بوجوب صورت مجلس کمیسیون خوار بار در اداره شهرداری بوده و تفاوتی نییگرده که مقاطعه کار یا پیمان کار جزء معامله نمایند و جنس را بدست آنها تامین کند یا مستقیماً با اداره بدهد و اداره مجدداً با آنها تحویل نماید چون در نتیجه محاسبه تفاوتی حاصل نشود و مقاطعه کار نیز تاخیری در انجام پیمان ندارد از این حیث ایرادی وارد نیست و اساس این ایراد که در خصوص کیفیت تحویل دادن جنس و تصفیه محاسبه با پیمانکار است ارتباطی با اتهام وزیر وقت که صرفاً موافقت با انعقاد پیمان بوده ندارد و با فرض ورود ایراد دلیل بزهکاری محسوب نمیشود»

الف - اگر پیمان کار بواسطه اینکه وسایل قلیه دست دولت نظریات اینجانبی: بوده نمیتوانست غله را از نقاط خارج شهر تبریز وارد کند باید معلوم نمود که خبازان با چه وسیله توانسته اند ۱۰۳۵ تن غله را

ب - از انعقاد قرار داد مقصود این نبود که قند و شکر بگیرند و در مقابل از فرار هر کیلو قند و شکر دریاضی ۷۰ و ۸۰ ریال بپردازند و مبلغ مهمی از این کار استفاده کنند بلکه نظر این بود که غله بوسیله سیلو بین خیابان توزیع شود تا دولت بتواند برای کسر بخت آنها را مسئول قرار دهد اگر خیاباز کسری آرد مصرف روزانه را تهیه کرده بود چه مردم بقدر بکه معین شده بود نمیتوانستند نان تهیه کنند و چرا عده زیادی از نبودن نان مردند؟

۶ - راجع بارد ذرت که پیمان کار از بابت آرد جو تحویل داد

چون موضوع مهم نیست اینجانب در جواب سو کمیسیون خودداری میکنم .

سو کمیسیون در آخر گزارش چنین اظهار عقیده میکنند:

« بجهت نامبرده هیچیک از ایرادات مزبور دلالت بر وقوع جرم یا ارتکاب آقای تدین بجرمی که در گزارش منطبق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی مرفعی گردیده ندارد زیرا ماده مزبور ناظر بر این است که شخص بوسیله مصلی برای خوردن مال غیر متوسل شود اقدام بقصد پیمان مزبور بنظور تهیه غله برای مصارف ضروری محل با توجه باوضاع و احوال مصلی و رعایت قیست هائی که در گواهی نامه شهرداری ملحوظ شده از مصادیق کلاه برداری محسوب نمی شود و چون اقدام وزیر وقت در حدود سایر قوانین و مقررات نیز مستوجب تعقیب و مجازات نیست عقیده منع تعقیب آقای تدین ابراز میشود »

بعد از شهریور ۱۳۲۰ جامعه انتظار داشت که بحساب متصدیان

عقیده اینجانب امور در ۲۰ ساله دوره دیکتاتوری برسد و اوضاع و احوال را تغییر

دهند این کار نشو بر تبحری متصدیان امور افزودند...

معاملات غرری اداره غله استان ۳ و ۴ و آقای تدین وزیر خوار بار بسبب شد که بر حسب

اتفاق مردمان صالحی مامور بازرسی شوند . روزها . هفته ها . ماهها وقت خود را صرف این

کار کنند و کار بیجلس برسو کمیسیون دادگستری برای مضمی خط بطلان روی تمام بگشند!!

در این مملکت که فساد اخلاق رو بترقی است انصاف اجازه نمیدهد که باعده ای از

کارمندان دولت که بکمر بدرسی خدمت کرده و خواسته اند بدون ملاحظه کشف جرم کنند

اینطور معامله شود.

بر من مثل روز روشن است که اگر حس وظیفه شناسی نبود کارمندان مزبور می -

توانستند خوب استفاده کنند و چیزی که سبب شده است کف نفس کنند و خود را دچار زحمت -

نمایند همان وظیفه شناسی است که مجلس شورای ملی باید این حس را انگشود و آنرا برای امنیت

اجتماعی شویق کند .

از اعضای کمیسیون یکی میگفت که در پرونده چیزی که موجب تعقیب تدین باشد

دیده نمیشود چنانچه کار بدیوان کشور ارجاع شود نبرته میشود هر گاه اکثریت کمیسیون

دارای این عقیده بود چرا برای وزیر حتی قائل شد که قانون آنرا بوزیر نداده و آن را اختیار

اعراض از مناقشه است!!

اینجانب از نظر کسالت و ضیق وقت و اینکه گزارشم از این مفصل تر و وقت مجلس

زیاد تغیه نشود بهمان برونده ای که مورد مطالعه کمیسیون قرار گرفته است قناعت نمودم

و از مطالعه پرونده هائی که اخیراً وزارت دادگستری بیجلس فرستاد و متجاوز از سه هزار

برک است صرف نظر و قناعت نمودم که فقط ۶۲ برک از پرونده را از باز پرسر دیوان

کیفر بگیرم و مطالعه کنم .

از اکثریت کمیسیون که رأی بمنح تعقیب داده‌اند سؤال می‌کنم غیر از آنچه در پرونده دیده اند از یک وزیر چه فطی باید صادر شود تا اینکه بتوانند او را تعقیب کنند و او را مشمول مقررات قانون جزائی نمایند؛ آیا متهمینی که تاکنون در دادگاه جنائی محکوم شده اند همگی اقرار و اعتراف بجرم منتسب بشود نموده اند؟



آقای مصدق لطفه عدل
وزیر دادگستری

گرچه از تئیرانی که وزیر دادگستری (آقای عدل) در دیوان کیفر داد چشم من آب نمی‌خورد که در آن دیوان اشخاص نابکار گرفتار مجازات شوند با این حال عرض میکنم که بازرسان وزارت دارائی چون حق نداشتند اشخاص مظلوم را احضار و تحقیقات کافی کنند نتوانسته اند از آنچه در نتیجه تحقیقات اداری نوشته‌اند حقایق را روشن تر کنند. بقیده این جانب تامدعی العموم دیوان عالی نیز دوسیه قضیه را بر طبق ماده ۸ قانون محاکمه وزراء تعقیب نکند و جلسه عمومی دیوان کشور بر طبق موازینی که برای رسیدگی بامور جزائی مقرر است رسیدگی و حکم صادر نکند آقای تدین تبرئه و افکار عمومی قانع نمیشود.

مجلس شورای ملی که باید مروج اخلاق خوب و مشوق نیکوکاران باشد هر گاه گزارش کمیسیون دادگستری را تصویب کند تشویق خائنین و باس خادمین را فراهم میکند و چنانچه نظریات کارمندان دولت که غیر از وظیفه شناسی نظری نداشته‌اند مورد توجه نشود کمتر کسی است که در آتیه از منافع شخصی بگذرد و خود را دچار زحمت و خطر کند و معافه کاری را پیشینه خود نکند. **نمایر**

من بنام سعادت جامعه و سلامت وطن از آقایانی که در انجام وظیفه کوشیده اند تشکر میکنم و یقین دارم که در این مجلس کسانی هستند که بامن هم عقیده‌اند و با گزارش کمیسیون مخالفت می‌کنند و بآن رأی نمی‌دهند تا این ضرب المثل که فقط «آفتابه دزد را تعقیب میکنند» تکذیب شود و مردم بدانند که مجلس شورای ملی حاضر نیست بهیچ قیمتی اعتماد جامعه را از خود سلب کند و تدین هم هر چه هست دیوان کشور او را معمر فی تمایذ (نمایندگان - صحیح است)

در جلسه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۲۴ پس از اینکه آقای حکیمی دولت خود را معرفی نمود آقای

در جلسه ۲۳ اردیبهشت ۲۴
بیانات دکتر مصدق و فرخ

طلباطبائی تجدید پیشنهاد نمود که برنامه دولت مطرح شود دکتر مصدق با پیشنهاد مزبور مخالفت و بیاناتی نمود که از شماره ۷۲ مذاکرات مجلس صفحه ۲۸۳ نقل میشود:

دکتر مصدق - يك گزارش ما در مجلس داریم که هر وقت میخواهد مطرح شود يك کار خیری می‌آید جلوی آنرا می‌گیرد و آن گزارش کمیسیون دادگستری را جمع به آقای تدین است آن جلسه که خواست مطرح شود قانون انتصابات روی کار آمد و گفتند ملک با این قانون انتصابات فطی که هست هیچوقت اصلاح نمیشود قانون انتصابات را مطرح کنیم بلکه انشاء الله ملک در نتیجه تجدید قانون انتصابات اصلاح شود و ما اینرا يك طوری-

رد کردیم حالا امروز که فقط چند دقیقه وقت لازم است که گزارش کمیسیون دادگستری در مجلس مطرح و تکلیفش معلوم شود برنامه دولت بیان آمده است. راجع به برنامه دولت معمول این بود که هر وقت داده میشد يك مهلتی بنمایند گان میدادند که آنرا بخواهند و مفادش را بخاطر بپارند و بعد رویش صحبت کنند (صحیح است) این است که بنده اسنادها میکنم آقا این پیشنهاد را پس بگیرند که امروز همان گزارش مربوط آقای تدین که چند دقیقه بیشتر کار ندارد مطرح شود که بعد از چهار پنجم این کار خاتمه پیدا کند و مانعی ندارد که پروگرام چاپ شده و در جلسه دیگر مطرح شود.

پس از مذاکرات گزارش کمیسیون دادگستری مطرح گردید و آقای فرخ

بیانات ذیل را نمود:

فرخ - در جلسه پیش در ضمن بیاناتی که آقای نقابت فرمودند دو نسبت بنده دادند و شاید عرض کنم که دو تهمت بن روا داشتند که من بر طبق ماده ۱۰۹ نظامنامه حق دارم دفاع کنم و عرایض خودم را به عرض آقایان نمایندگان برسانم یکی اینکه فرمودند بنده راپورتی که از آذربایجان دادم فروزان پیشکارماليه گفته است که اینها اعداد روی کاغذ است. حقیقت نداشته و غله ای در محل نبوده است و یکی اینکه فرمودند بنده راپورتی به پیشگاه مبارک ملوکانه عرض کرده ام برخلاف حقیقت، که در مقابل بمن نشان و حمایت مرحمت شده است اما راجع به موضوع اول خدمت آقایان عرض میکنم که من پس از مراجعت از آذربایجان هیچگونه گزارشی به پیشگاه ملوکانه شفاهاً یا کتباً عرض نکرده ام زیرا مسئولیت امور مملکت مطابق قوانین مشروطیت با دولت است و مقام سلطنت هم از من استعلامی فرمودند تا بنده چیزی عرض کنم. گزارشی را هم که من بدولت تقدیم کردم متکی بر ابروت رؤسای مالیه بوده است مثل راپورتی که به مجلس تقدیم کردم. مثلاً رئیس دارائی مراغه مینویسد موجودی من ۴۸۰۰ تن، اردبیل مینویسد ۸۷۰۰ تن، تبریز مینویسد ۱۹۹۵۷ تن و من عین آن گزارشات را ضمیمه راپرت خود کردم و خیلی تعجب میکنم يك مأموری مثل آقای فروزان که از مأمورین خیلی با هوش و مدیر و مجرب وزارت مالیه است يك همچو گزارشی داده باشد!... اتفاقاً دیروز یکی از نمایندگان محترم کاغذ آقای فروزان را بنده دادند برای اینکه در روزنامه رسمی درج بشود و حالا هم از آقای هاشمی تقاضا میکنم که عین آنرا در روزنامه رسمی کشور درج کنند. مینویسد: برای رفع اشتباه آقای نقابت من همچو گزارشی که راپرت آقای فرخ اعداد روی کاغذ است نداده ام و من تقاضا کردم که حوالجات برورداده شود که بتوان پرداخت (نقابت عین آنرا قرائت بفرمائید) رفع اشتباه از آقای نقابت نماینده محترم مجلس >... در جلسه ۳ شنبه اخیر مجلس که دامت مذاکرات به موضوع غله آذربایجان در سال ۱۳۲۱ کشیده شده از طرف آقای نقابت اینطور عنوان شده بود که بعد از مراجعت جناب آقای فرخ وزیر خواربار وقت از مسافرت تبریز اینجانب بمناسبت مأموریت آذربایجان گزارشی بطهران داده و ارقام قلمدادی معظم له را تکذیب کرده ام اکنون من باب بیان حقیقت لازم دیدم توضیح دهم که اولاً گزارش اینجانب بعنوان خود آقای فرخ وزیر وقت بوده نه مقام دیگری و ثانیاً مبنای آن گزارش اساساً قبول یابرد مقدار جنس جمعی آذربایجان نبوده بلکه منظور این بود که چون قسمت مهم از غله جمعی محل تدریجاً بحیطه وصول درمی آمد ناگزیر میبایستی حوالجات قابل تحویل بنمایندگی بازرگانی شوروی یا جهت حمل بطهران نیز بتدریج و

بتناسب جنس مترکز در انبار تبریز صادر میشد تا ادارات محل دفعتاً در فشار صاحبان حواله قرار بگیرند. آنچه بخاطر دارم چون پیشنهاد اینجانب معقول و منطقی بود مورد تصویب وزارتخانه واقع و مغرور گردیده حواله جات محل بتغاریق صادرشود. «علی اصغر غروزان» بنا بر این معلوم شد که بنده رابرتی برخلاف حقیقت عرض نکرده ام. اما راجع بحمایلی و نشان فرمودند اینجا سخن و سخن دختران مغلوبه است اولاً بنده از مسافرت آذربایجان که برگشتم به بنده نشان و حمایلی مرحمت نشد ولی بنده وقتی که از مسافرت کرمان مراجعت کردم برای اینکه يك تشویقی از بنده شده باشد برای خدماتی که در کرمان انجام داده ام و نمایندگان کرمان البته بهتر میدادند باین جهت تصویب شد که تشویق از من بشود و نشان و حمایلی به بنده مرحمت شد و مطابق اصول تشریقاتی که باید در يك عیدی این نشان و حمایل مرحمت بشود دو عید غدیر مرحمت شد ولی من از آقای نقابت انتظار داشتم که با سوابقی که پدر ایشان با بنده داشت در این موضوع دقت میکردند و آنوقت يك نسبتی به بنده میدادند که شاید خودشان هم خیلی باو معتقد نبودند. چنانکه من خودم همین کار را کردم نسبت با ایشان خیلی چیزها به بنده گفتند. ولی بنده تکذیب کردم مثلاً از دیوان کیفر به بنده گفتند که ایشان آقا بزرگ ابراهیمی را در منزل خودشان مخفی کرده اند و ما نمیتوانیم ایشان را استنطاق کنیم ولی من این موضوع را تکذیب کردم و گفتم دروغ است آقای نقابت اشرف از این است که مرتکب چنین عملی بشود انتظار داشتم که ایشان هم مطالعه کرده باشند اما راجع به اصل موضوع که فرمودند و به اصطلاح ضمه گزارش بنده را گرفته اند روی اعداد که ۱۹۹۵۲ تن غله که نصف آنرا بروسها دادند و بقیه را هم دادند به تهران و دیگر چیزی نبوده است این را توجه فرمودند که این غله ای را که صورت میدهند در انبارهای مرشهری است در مرشهری هم چند نفر معین میشوند برای نظارت آنها و در شهر تبریز هم مأمور بود و آنچه که بشوروی داده میشد جو بود و آنهم از محل دیگر. حالا بنده تصور میکنم و قبول میکنم که فرمایش آقای نقابت صحیح است و گزارشهایی که ما دادیم واقعاً عدد روی کاغذ بود. استدعا دارم آقایان نمایندگان در این موضوع يك توجه مقتصری بفرمایند.

آقای فریور استدعا میکنم توجه کنید. در آخر آذرماه بنده از آذربایجان آمدم و تا سرخرمن ۹ ماه فاصله بوده است و مطابق صورت دقیق ماهی ۳۴۲۰ تن مصرف شهرهای آذربایجان بود که در ۹ ماه تقریباً ۳۰ هزار تن میشود و ۲۰ هزار تن هم بشورویها باید بدهند این میشود ۵۰ هزار تن و آقایان میدانند که از تقاضای غله نیامد و ترکیه هم چیزی بنا نداد و از عراق هم نیامد و تهران هم که غله نداشت پس معلوم شد که این ۵۰ هزار تن در آذربایجان بود از آسمان هم که غله نمی‌ریزد:

ما چه میگوئیم؟ ما میگوئیم که این ۵۰ هزار تن باید مطابق نرخ دولت یعنی تنی ۳۰۰ تومان گرفته شده باشد ولی محسکین نداده اند و دولت باید از آنها گرفته باشد ولی مأمورین برخلاف قانون منع احتکار و برخلاف قانون با محسکین تباخی کرده اند و انقلاب مصنوعی ایجاد کرده اند برای اینکه ۳۰۰ تومان را ۱۳۴۰ تومان بخزانه دولت تحویل کنند. ما چه میگوئیم؟ میگوئیم تباخی مأمورین دولت با محسکین برخلاف قانون منع احتکار و وارد کردن زبان بخزانه دولت این قابل رسیدگی است و برطبق قانون کیفر عمومی قابل جرم است آقایان میگویند قابل رسیدگی نیست. مجلس قضاوت خواهد کرد. اگر قابل رسیدگی بود که رسیدگی میشود چون بعقیده ما قابل رسیدگی است.

بنده تصدیق دارم که آقای نقابت یکی از نمایندگان محترم و ازو کلای میرزاد کسری

هستند ولی یقین دارم گاهی هم مولوی خوانده اند مولوی میگوید :

ای ضیاء الحق حاسم الدین و دل کی توان اندود خورشیدی بگل

بعقیده بنده تبانی مأمورین دولت با محکترین اظهر من الشمس و خورشید را با گل اندود کردن است این قضیه واضح و روشن و محقق است ولی درخانیه یک پیشنهادی دارم و آن این است که در موضوع آقای تدین چندین جلسه مذاکرات در مجلس شده است و گاهی هم یک تشنجاتی ایجاد شده است به عقیده بنده با اندازه کافی مذاکرات شده است خوب است باین موضوع خاتمه بدهیم و رأی گرفته شود (صحیح است) چون آقایان آنچه باید فهمیده اند و قضیه کاملاً روشن شده است و با اصطلاح پنبه موضوع زده شده است و قضیه واضح است بعقیده بنده بهترین است که رأی بگیریم و باین موضوع خاتمه بدهیم که بیش از این وقت مجلس گرفته نشود (صحیح است) .

رئیس - آقای دکتر مصدق .

یکتفر از نمایندگان - دو نفر مخالف پشت سر هم نیشود صحبت کنند .

رئیس - چون آقای فرخ بعنوان ماده ۱۰۹ برای رفع آن نیشی که بابشان داده شده بود اجازه خواسته بودند مطابق نظامنامه بنده بایشان اجازه دادم .

نقابت - بنده هم بعنوان مخبر کمیسیون اجازه میخواهم .

رئیس - آقای دکتر مصدق .

دکتر مصدق - آنهایی که گزارش مرا در خصوص پرونده آقای تدین در روزنامه رسمی شماره ۲۶۸۸ فروردین و بعضی از جرایده خوانده اند می دانند که طبق دستور و بویان مستشار امریکائی مقرر بوده آقای آذرنیا رئیس دارائی مراغه کالای انحصاری را با غله مبادله کند و در ۲۰ اسفند ۱۳۲۱ به قادر مقدم و ابراهیم واسحق و صالح عزیزی در مقابل یک تن گندم را ۲۴۰ تومان نقد و مقداری کالا به قیمت بازار آزاد داده که یک تن گندم برای دولت ۶۳۹ تومان تمام شده است .

و با اینکه مطابق اظهارات آقای فرخ نماینده محترم و ورقه رسمی که در جلسه ۱۸ اردیبهشت ارائه فرمودند دولت در تقاضا مختلفه آذربایجان غله داشت و احتیاج بخربید نداشت در ۲۴ اسفند در تبریز بلوایی راه انداختند که نتیجه آن این شد که ۷ روز بعد از معاملات دارائی مراغه و بویان قراردادی با آقای خدیوی منعقد کند و ۱۵۰۰ تن گندم و ۵۰۰ تن جو را در مقابل هر یک تن گندم ۱۲۰ کیلو و یک تن جو ۹۰ کیلو نقد و شکر تحویل دهد. نقد و شکر را که بحد اقل قیمت بازار یعنی هر کیلو ۱۲ تومان حساب کنیم قیمت یک تن گندم ۱۴۴۰ تومان میشود و در هر تن ۸۰۹ تومان بیش از معامله دارائی مراغه شده و متجاوز از یک میلیون تومان ضرر دولت است . مردم میگویند اگر بویان در این کار نفی نداشت قرار داد را امضاء نمیکرد و اگر مجبور بود حکم سر لشکر مقدم را اجرا کند وقتی که طهران آمد خسارت دولت را به دکتر میلیسیو رئیس مافوق خود گزارش می کرد .

آقای تدین هم که بدعوت آقای سر لشکر مقدم وارد تبریز شدند اعتراض نمودند و در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۲۲ یعنی ۲۵ روز بعد بعد از انعقاد قرارداد خدیوی خود ایشان با آقای بزرگ ابراهیمی بیانی برای مقدار ۳ هزار تن و با شرایط بدتری بستند. در موقع انعقاد بیمان با آقای خدیوی ۲۰ تن قند و شکر برسم مساعده داده شده بود که در بازار آزاد بفروشد و قیمت آن را برای خرید غله مورد بیمان بکار برد ولی به آقای ابراهیمی اضافه از این مقدار مبلغ ۱۵۰ هزار تومان هم برسم مساعده همان روز انعقاد بیمان وجه هت دادند که معلوم نیست این وجه را برای چه برداختند ؟ من بعقیده آقای نقابت که نظر به مجلس شورای ملی قضائی -

است نمیتوانم موافقت کنم زیرا طبق اصل ۶۹ متمم قانون اساسی: «مجلس شورای ملی یا مجلس سنا تصویب وزراء را در محضر دیوان خانه تیز عنوان خواهند نمود» و عنوان غیر از قضاوت است و اصل ۷۵ قانون مزبور که میگوید: «دیوان خانه تیز در هیچ محاکمه ابتدائی رسیدگی نمیکند مگر در محاکماتی که راجع بوزراء باشد» میسرماند که مجلس شورای ملی در درجه اول هم نمیتواند قضاوت کند و مجلس شورای ملی را در این مورد میتوان به «شامبردا کوزاسیون» تشبیه کرد پس وظیفه مجلس این است اگر اتهام وارد نیست تعقیب و زیر را اجازه ندهد و اگر وارد است اجازه دهد که طبق ماده ۸ قانون محاکمه وزراء مدعی - العموم دیوان تیز قضیه را تعقیب کند و همچنین با نظرایشان که آقای تدین از ماده واحده ۲۴ خرداد ۱۳۲۱ میتوانند استفاده کنند مخالفم و ماده مزبور را عیناً نقل میکنم تا معلوم شود که ماده مزبور متضمن هر اختیاری است که فرض شود مجری آن «دولت» است اینک عین ماده: «مجلس شورای ملی برای خرید و جمع آوری مسازاد غله و سایر مواد خواربار و تأمین وسائل نقلیه بنظور تهیه ارزاق عمومی از تاریخ تصویب این قانون تا آخر مهرماه ۱۳۲۲ بدولت اجازه میدهد برای موارد بکه در قانون احتکار و آیین نامه آن پیش بینی شده است هر اقدامی که لازم بداند بوقع اجرا بگذارند کیفرهای ضروری نیز در این باب (در حدود کیفرهای مقرر در قانون احتکار) از طرف دولت اعلاصام و اجرا خواهد گردید» و آقایان معترم ملاحظه میفرمایند که مجلس هر اختیاری در این ماده هست بدولت داده است نه بوزیر و چنانچه نظرمقنن این بود که شخص وزیر هم از آن استفاده کند فضل را شخص سیم جمع نیآورد و بجای بداند و بگذارند بداند و بگذارند میگفت اگر از این اختیارات وزیر دارائی بدون تصویب دولت میتواند استفاده کند وقتی که خواربار بوزارت دارائی انتقال یافت رئیس کل دارائی هم این حق را پیدا میکرد و لازم نبود که مقنن ماده ۲ قانون سیزده اردیبهشت را وضع کند و بموجب آن بد کثرت میسویان حق را بدهد من یا گزارش مبسوطی که تقدیم مجلس نموده ام زائد میدانم بیش از این توضیح دهم و وقت مجلس را تضییع کنم فقط عرض میکنم که طبق اصل ۸ متمم قانون اساسی جاهلی سلطنت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوقند» و قانون مزبور در اصل ۱۲ و ۹۶ و ۷۵ نمایندگان مجلس و وزراء را از این حکم کلی استثناء نموده و علت این است که آنها بتوانند با نهایت اطمینان و پشت گرمی و بدون ملاحظه انجام وظیفه کنند و الا لزوم نداشت که این دو گروه را از حکم کلی مستثنی کند و برای آنها فائل یعنی شود که سایر افراد سلطنت آنها ندارند بنا بر این مادام که مجلس شورای ملی از نمایندگان مجلس سلب مصونیت نکرده و یا اجازه نداده است که وزیری را تعقیب کند احدی نمیتواند متعرض نمایندگان مجلس و یا وزیر شاغل مقام و یا منفصل بشود بدیهی است که مجلس هم از این حق نباید سوء استفاده کند و از محاکمه اشخاص خلاف کار جلوگیری نماید و آنها را در بنای خود حفظ کند.

هر کس که پرونده ای را مطالعه کرد تشخیص میدهد که تقاضای اجازه تعقیب آلوده بفرس هست و یا نیست چنانچه از مطالعه پرونده معلوم شود که نسبت بنمایند و یا وزیر میخوانند اعمال غرض کنند مثل اینکه تقاضای سلب مصونیت نمایندگان دوره دیکناتوری اغلب از این نظر بوده است البته مجلس نباید اجازه دهد ولی اگر پرونده بر خلاف این نظریه بوده یعنی از مجلس اجازه بخواهند که وزیر خلاف کار را تعقیب و قضیه را روشن کند و دیوان کشور که بگانه محکمه صالحه است بوضع رسیدگی و قضاوت کند خصوصاً

اینکه کمیسیون عرایض هم موافقت کرده باشد دیگر چه باعث است که مجلس چندین جلسه وقت خود را صرف گزارشی کند که برخلاف مصالح سلطنت است - میگویند روزیکه گزارش سو کمیسیون مطرح شده از ۱۸ نفر اعضای کمیسیون دادگستری ۱۱ نفر در جلسه بیشتر نبوده اند و گزارش مزبور با رأی مخفی و اکثریت ۶ نفر از حضرات تصویب شد و معلوم نیست کی موافق و کی مخالف بوده است و جای تأسف است که در یک کار مهمی که جنبه قضائی داشته نمایندگان مخالف بواسطه محافظه کاری با رأی مخفی مخالفت نکنند و چه خوب است که آقایان مخالفین خود را معرفی کنند تا معلوم شود که با گزارش سو کمیسیون کی ها موافق بوده اند .

من تا زمانی که عضو مجلسم راضی نمیشوم مجلس کاری کند که موجب سوء شهرت آن بشود مجلس باید خود را طوری معرفی کند که نتوانند بگویند سرچشمه فساد اخلاق خود مجلس است - مجلس شورای ملی باید محبوب جامعه باشد و مردم آنرا کعبه آمال خود بدانند .

من بقیه دارم که اگر مجلس اجازه تعقیب داد، دادستان از آقای تدین مطالب ذیل را سؤال میکند .

- ۱- آقای سر لشکر مقدم برای چه کارایشان را بتبریز دعوت کرده اند ؟
- ۲- چرا بقرارداد خدیوی که بدون رعایت مقررات مناقصه منعقد شده بود اعتراضی نمودند ؟
- ۳- چرا خودشان با آقای بزرگ ابراهیمی پیمانی با شرایط بدتر از پیمان خدیوی و بدون اجرای مقررات مناقصه بستند ؟
- ۴- اگر سه هزار تن غله برای ارزاق شهر لازم بود چرا فروشنده را فقط در تأدی ۱۵۰۰ تن ملزم نمودند و او را مغیر نمودند که ۱۵۰۰ تن دیگر را اگر برای او صرفه نداشت تعویل نهد ؟
- ۵- چرا چنین اخنباری برای دولت قائل نشدند که ۱۵۰۰ تن بانی را بقیمت ارزانتر تهیه کنند ؟
- ۶- علت اینکه فروشنده را بدولت ترجیح داده اند چه بوده است ؟
- ۷- چرا از پیمانکاران رسد و ضمان اجرا نگرفته اند که پیمانکاران بچای اینکه غله تعویل دهند با نانواها تباخی کنند و معادل ۳۴۴۶ خروار قبض نانواها بدهند و آقای - مجید زاده قبوض را قبول نکنند و بموجب حکم گرافورد مجبور شود محاسبه را تفریق کند و از پیمانکاران رسد رسمی بگیرد که اگر دولت بتفریق محاسبه اعتراضی نمود از عهده برآیند ؟
- ۸- چون دولت در تبریز بظله احتیاج داشت چرا محل تعویل جنس را منحصرراً شهر مزبور قرار نداده اند و پیمانکاران را مغیر نمودند در تقاطعی که دولت جنس داشت و وسائل تقلیه نداشت غله را تعویل دهد ؟
- ۹- اگر نانوا جنس خریده بود چه طور حاضر شد که قند و شکر را پیمانکاران بگیرند و در بازار آزاد در حدود هر کیلو ۱۸۰ ریال بفروشند و بعد بنانوا قیمت آنرا از قرار هر کیلو ۷۰ ریال تأدی نمایند ؟
- ۱۰- اگر نانوا ب مردم نان داده بود چرا عده زیادی از گرمسنگی تلف شدند ؟

بدیهی است که دادستان دیوان کشور چک آقای ابراهیمی را از بانک خواهند خواست و از گیرنده وجه تحقیق میکنند که ۱۵۰ هزار تومان را که روز انعقاد پیمان از بانک گرفته بکی داده و بچه مصرف رسانیده است و همچنین از شوهر تحقیق میکنند که قالی سنگین قیمت را از کجا حمل و در کجا تحویل داده است؟

از عهده ما نمایندگان که در جلسات رسمی سر وقت حاضر نمیشویم و پس از حضور هم جلسه را بکرات از رسمیت میاندازیم و ناطق را پشت میز خطاب حیران میکنیم و تشکیلاتی برای تحقیقات لازمه در اختیار نداریم این کار ساخته نیست و وظیفه دادستان است که بوسیله بازرسان خود تحقیقات لازمه در اطراف قضیه نموده و پرونده را تکمیل نمایند. (نمایندگان صحیح است).

اگر جواب آقای تدین دیوان کشور را قانع نبود تبرئه خواهند شد و حکمی که در برائت ایشان تمام اعضای دیوان مزبور با رأی علنی صادر کنند از قراریکه جمعی از اعضای کمیسیون دادگستری با رأی مخفی در منع تعقیب ایشان صادر کرده اند مؤثرتر است (صحیح است) و چنانچه آقای تدین دیوان کشور را قانع نکرد محکوم میشوند و من تصور نمیکنم که برای این کار لازم باشد که قبض رسمی ارائه نمایند (صحیح است).

پس از این نطق عده دیگری از نمایندگان

بعد از هفت ماه
موقوف ماندن پرونده

بعنوان مخالف و موافق صحبت نموده که صحبت

نتیجه بخشید بقیه مذاکرات بجلسه بعد موکول گردید در جلسه بعد هم بواسطه مخالفت عده از نمایندگان گزارش کمیسیون دادگستری مطرح نشد و قریب هفت ماه بلا تعقیب ماند و باز دکتر مصدق در جلسه هیجدهم آذر ۳۲۴ در این باب نطقی نمود که از مذاکرات مجلس شماره ۲۴۳ صفحه ۴۸۰ ستون سوم نقل میشود.

دکتر مصدق - از ۲۲ تیرماه ۱۳۲۳ این اعلام جرم رفته است بدیوان کشور دیوان کشور بچه علت در این کار رسیدگی نکرده باین علت که تدین در مجلس اعلام جرائم دیگری هم دارد هر وقت که از مجلس مراجعه شد آنوقت این اعلام جرم موجود را با آن اعلام جرائمی که از مجلس میآیند رسیدگی می کنیم ملاحظه فرمائید و ببینید دیوان عالی کشور چه منطقی برای ما اقامه میکنند وقتی دیوان کشور همچو منطقی برای ما ذکر کند از محاکم دیگر چه انتظاری داشته باشیم وحدت محاکمه مال وقتی است که چند نفر یک جرم مرتکب شده باشند مثلاً چند نفر زده باشند یکی کسی را کشته باشند در این جا وحدت محاکمه واجب است و وحدت محاکمه که در يك مورد واجب نیست و ممکن است که بشود آن وقتی است که چند جرم را چند نفر کرده باشند که به دیگری ارتباط داشته باشد مثلاً فرض فرمائید که در زندان بحدوسی يك کسی اسلحه بدهد این خودش جرم مخصوصی است از زندان این شخص محبوس را کسی فرار بدهد این جرم دوم است از زندان که فرار کرده يك کسی محبوس را نگاهداری یا مخفی بکند اخفای این محبوس میشود جرم سوم. و وقتی بخواهند در محاکمه باین جرائم متهمه که تا يك اندازه بهم مربوط است رسیدگی بکنند ممکن است محکمه بگوید که در این جا ما وحدت محاکمه قائل میشویم تا نام این محاکمه در يك جا بشود و این اشکالی ندارد اما اعلام جرم انتضایات بندر عباس چه دخلی بدوسیه یا اعلام جرم نسبت بفلان آذربایجان دارد

که تدین در آنجا معامله نموده است بعضیها در همین مجلس میگویند که تدین را اگر ما بفرستیم برود بداد گستری آنجا تیره می شود بسیار خوب از چه نظر تیره میشود مگر خرجی بکند که تیره شود والا ماده ۱۵۳ قانون مجازات عمومی میگوید: «هر يك از مستخدمین و مأمورین دولتی و اشخاصیکه عهده دار خرید و فروش یا ساختن چیزی یا آمر ساختن آن برای دولت بوده اند بواسطه تدبیس در خرید یا فروش یا در تعیین مقدار یا صفت آن چیزی برای خود یا دیگری تحصیل کرده باشند که موجب ضرر دولت باشد علاوه بر استرداد آنچه تحصیل کرده بتأدیه غرامتی معادل ضعف آن محکوم خواهند شد و اگر مستخدم دولت باشند به علاوه مجازات فوق از يك تا ۷ سال از خدمت دولت منقض خواهد گشت» پس اگر تدین برود در محکمه بموجب این قانون محکوم میشود. برای کار تدین در جلو این مجلس خونریزی شدعلت بجوش آمده، بفروش آمده و این کار تدین هنوز در این مجلس مانده است و هیچیک از این نمایندگان نمیتواند يك دلیلی بیاورد که چرا اینکار تدین در این مجلس مانده است آنوقت می خواهید انتظار داشته باشید که این ملت ما و کلاء را بخواهند و الله بندا و بوجدانیت حق این ملت از ما و کلاء بیزارند (صحیح است)

این لطق باز بلا نتیجه ماند و مجلس هیچ تصمیمی

تأثیر فشار حق
انتیجه سعی نماینده اول تهران

برای خاتمه کار این پرونده اتخاذ نمود و فقط

در جلسه یازدهم دیماه ۳۲۴ قبل از دستور دکتر مصدق نطقی ایراد نمود که بسیار مؤثر واقع شد و توانست آنرا وارد دستور کند و نتیجه که میخواست بگیرد اینک نطق نماینده اول تهران و جریان امر از مذاکرات مجلس شماره ۲۰۶ صفحه ۹۶۱ ستون سوم نقل می شود:

دکتر مصدق - راجع باعلام جرمی که دولت بر علیه آقای تدین نموده است نظریات خود را در گزارش مفصلی که تقدیم شده بعرض آقایان نمایندگان محترم رسانیده ام و اکنون بطور خلاصه عرض میکنم که عمل ایشان منطبق با ماده ۱۵۳ بعنوان مجرمیت و ماده ۲۳۸ و ۲۸ راجع بکلاهبرداری و معاوتت بمجرم و مشمول قانون مجازات عمومی است. اعتراض من بکمیسیون این است که در اردیبهشت ۱۳۲۳ پنج فقره اعلام جرم بر علیه آقای سهیلی داده شده که ۱۸ ماه است در کمیسیون مدفون شده است و هر وقت من در مجلس اظهاری کرده ام گرفتار یکی از روزنامه های اجیر سهیلی شده ام چون تیره آقای تدین سبب شد که من در مجلس اعتراض کنم عده زیادی از نمایندگان که برای انتخاب خود مرهون سهیلی هستند و بعضیها هم بجهت دیگر تصور میکنند اگر او را تیره کنند چون اعلام جرم یکی نیست و ۵ فقره هست یکی منتضح شوند پس بهتر آن است که کمیسیون داد گستری سکوت اختیار کند تا دوره تمام شود و انصافا نقشه خود را در انتخاب اعضای کمیسیون بسیار خوب اجرا کرده اند زیرا اکنون ۱۸ ماه است که کمیسیون ساکت است و هر وقت هم که یکی از نمایندگان اعتراض کرده برایش اعتراض کننده خندیده اند چنانچه این دو ماه هم گذشت مرور زمان مهین را تیره خواهد نمود خلاصه اینکه حمایت از خلاف کاران را با انجام وظیفه ترجیح داده اند ...

من برای ضبط در تاریخ امروز هیئت رئیسه کمیسیون را که عبارتست از آقای بهبهانی رئیس که بواسطه کسالت حضور ندارند - آقای دکتر عبده مضیر - آقای دکتر کیان نایب رئیس - آقای فولادوند منشی بهجامه معرفی میکنم و امیدوارم که این آقایان خصوصاً آنمونه که دکتر در علم حقوقند راضی نشوند حقوق جامعه بیش از این پایمال شود و آقای فولادوند که در یکی از جلسات گذشته از اعتراض من بکار کمیسیون دادگستری بسیار متأثر شدند اگر برای عدم انجام وظیفه و اجرا نشدن ماده ۴ قانون محاکمه وزراء که هیچ اعلام جرمی طبق ماده مزبور نباید بیش از یک ماه در کمیسیون بماند دلایلی دارند اظهار فرمایند.

عنقریب این دوره خاتمه پیدامی کند و این بدنامی برای تمام نمایندگان در تاریخ پارلمانی ایران میماند چون همه میدانند که در این دوره چه اشخاصی عضو کمیسیون دادگستری بوده از بین اعضاء کمیسیون کدام يك از خلافتگرایی حمایت می نمایند امیدواریم که مردم خوب قضاوت کنند و صالح را از ظالم تمیز دهند.

من از آقایانیکه مایلند اتهام آقای تدین در دیوان کشور رسیدگی شده و حقایق بهجامه معلوم شود درخواست میکنم که بگزارش کمیسیون دادگستری که آقای تدین را تیرت نموده است ورقه آبی بدهند و پیشنهاد میکنم که لایحه کمیسیون دادگستری که در مجلس قرائت شده و راپرت مفصل آن هم در مجلس عرض آقایان رسیده در این ساعت قبل از اینکه وارد سایر لوايح بشویم چون فقط يك رای میخواهد رای بدهند و بیش از این مردم را باین مجلس بدین نکتند بجهت اینکه مدتی است که این قضیه تدین در این مجلس آمده و رفته و تقریباً میخواهم عرض کنم که ده ساعت تمام شاید وقت مجلس شورای ملی را گرفته (جمعی از نمایندگان - رای بگیرند) امروز اگر این کار ناتمام بماند گمان میکنم دیگر خواهد ماند برای آخر دوره و آخر دوره هم که این کار دیگر نخواهد گذشت و يك بدنامی بزرگی برای این دوره چهاردهم خواهد گذاشت - از آقایان خواهش میکنم اگر بخواهند برایش من جواب بدهند بگذارند اول رای گرفته شود چون این قضیه دوسه دقیقه بیشتر وقت نمیخواهد.

جمعی از نمایندگان - رای - رای.

بعضی از نمایندگان - قرائت بشود.

دکتر مصدق - قرائت بکنند مانی ندارد عرض بنده این است که دیگر بیش از این شایسته شأن مجلس نیست.

قرائت گزارش کمیسیون دادگستری دائر بمنع تعقیب

آقای تدین و اخذ رای وعدم تصویب آن

نایب رئیس - آقای اردلان پیشنهاد کرده بودند وارد دستور بشویم (جمعی از نمایندگان - رای رای) آقای وزیر دارائی .

وزیر دارائی - (آقای هژیر) - بنده میخواستم استدعا کنم که بر حسب پیشنهاد آقای دکتر مصدق برای اینکه قطع نکرده باشم فرمایش ایشان را اگر مجلس شورای ملی میخواهند این رای را بدهند عرضی ندارم رای بدهند بعد مختصر توضیحی هم بنده دارم .

فایب رئیس - چند نفر از آقایان هم اجازه خواسته اند (جمعی از نمایندگان - رأی رأی) ..

پوررضا - بنده اختصار نظامنامه دارم .

فایب رئیس - بفرمایید .

پوررضا - اگر بخواهید بگزارش دادگستری رأی بگیریید اغلب آقایان گزارش را فراموش کرده اند خوب است گزارش اول خوانده شود بعد رأی بگیریید (نمایندگان - صحیح است) .

فایب رئیس - توجه کنید گزارش کمیسیون خوانده شود .

(گزارش کمیسیون دادگستری بوسیله آقای هاشمی (منشی) بشرح زیر

قرائت شد .)

گزارش کمیسیون دادگستری مورخ ۲۴/۲/۶۱ - کمیسیون دادگستری پرونده اعلام جرم نسبت با آقای سید محمد تدین وزیر سابق خواربار در موضوع خواربار آذربایجان تحت شورورسیدگی قرارداد پس از چند جلسه مطالعه و مشاوره در پرونده چون رسیدگی کامل و دقیق در جلسه کمیسیون بواسطه تراکم اوراق پرونده مزبور مشکل بنظر میرسد لذا مقرر شد سو کمیسیونی برای رسیدگی باین امر انتخاب شود که پرونده امر و کلیه اوراق آن رسیدگی خلاصه پرونده و نظریه خود را بکمیسیون تسلیم نمایند .

سو کمیسیون پرونده مزبور را تحت شورورسیدگی قرارداد در نتیجه گزارش خود را دائر بر عدم وقوع جرمی از طرف آقای تدین و منع تعقیب ایشان بشرح پیوست بکمیسیون تسلیم نمودند .

کمیسیون در جلسه پنجم مهرماه ۱۳۲۳ گزارش مزبور را قرائت و پس از مذاکرات لازمه در اطراف قضیه و توضیحات اعضاء سو کمیسیون بالاخره بگزارش پیوست و منع تعقیب آقای سید محمد تدین رأی گرفته با کثرت تصویب و علیهذا گزارش آنرا برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم میدارد . مخبر کمیسیون قوانین دادگستری - نوی

(بعضی از نمایندگان - رأی رأی اعلام رأی بفرمایید)

فایب رئیس - چون مذاکرات کافی شده است دو پیشنهاد رسیده است یکی راجع باخذ آراء با ورقه یکی هم راجع برآی مخفی رأی مخفی را هم میخواهند که ببینید وارد است یا نه ؟ (بعضی از نمایندگان - رأی علنی با ورقه بگیریید آقا) (عده از نمایندگان - رأی مخفی بگیریید) راجع برآی مخفی باید دید اعضاء ۱۵ نفر است یا نه پیشنهاد و امضاء ها را بخواهید بشرح زیر قرائت شد :

امضاء کنندگان پیشنهاد میکنیم راجع پرونده آقای تدین با مهره سیاه و سفید برای مخفی گرفته شود . امضاء ها : تهرانچی - شریعت زاده - نمازی (بعضی از نمایندگان - آقا آقای نمازی نیستند) (هاشمی - بنده هم میدانم نیستند استعفاء کرده اعد) دکتر طاهری .

تجدد - (بعضی از نمایندگان - از تو از اول بخواهید .)

فایب رئیس - آقای هاشمی از اول بخواهید .

(مجدداً بشرح زیر قرائت شد .)

تهرانچی - شریعت زاده - نمازی . (بعضی از نمایندگان - آقای نمازی

که نیستند) .

نایب رئیس - اسم آقای تمیزی را نخوانید. از اول با شماره بخوانید (بشرح زیر قرائت شد) .

۱- تهرانچی ۲- شریعت زاده ۳- دکتر طاهری ۴- تجدد ۵- ذوالقدر ۶- مخبر
فرهنگ ۷- امیر تیمور ۸- یمن اسفندیاری ۹- مجید ۱۰- مجید ضیائی ۱۱- تهرانی (بعضی
از نمایندگان - ایشان هم نیستند) ۱۲- محیط ۱۳- فرهودی ۱۴- پوررضا ۱۵- روحی
(بعضی از نمایندگان - کافی نیست) .

نایب رئیس - آقای شریعت زاده نظری دارید ؟ بفرمائید (هاشمی - آقای منصف
هم امضاء فرموده اند) (یکی از نمایندگان - آقای محیط هم امضاء کرده اند) (هاشمی -
آقای محیط را خواندم) .

شریعت زاده - استفسار میکنم این تقاضای رأی مخفی کی تقدیم شده است ؟ (بعضی از
نمایندگان - مال خیلی پیش است) پس بنا بر این بنده مسترد میدارم امضای خودم را .
تهرانچی - بنده هم مسترد میدارم .

نایب رئیس - پس کافی نیست رأی باورقه گرفته میشود .

حاذقی - اجازه بفرمائید توضیحی دارم عرض کنم ؟

نایب رئیس - مورد صحبت نیست قطع باید رأی گرفته شود. پیشنهاد دیگر راجع
به رأی باورقه خوانده میشود (پیشنهاد بشرح زیر بوسیله آقای هاشمی (منشی)
قرائت شد) .

چون مذاکرات راجع با آقای تدین در مجلس شورای ملی خانه بافته امضاء کنندگان
پیشنهاد مینمایم که نسبت به گزارش مزبور با ورقه اخذ رأی شود : دکتر مصدق ، فرمند
صدرقاضی ، مهندس فریور ، مظفرزاده ، فرخ .

چند نفر از نمایندگان - آقای فرخ نیستند .

نایب رئیس - خوب پنج نفر از آقایان هستند اجازه بفرمائید بنده نظرم را عرض
کنم که رفع هر اشتباهی بشود مطابق پیشنهادی که شده است پنج نفر تقاضا کرده اند باید رأی
باورقه گرفته شود (صحیح است) توجه بفرمائید بنده خواستم توضیح عرض کنم که چون خبر
مال يك سال و خورده ای پیش است آقایان توجه فرمایند که در موقع رأی دادن
اشتباه فرمایند .

این رأی دائر بعدم تعقیب آقای تدین است آقایانی که در واقع ورقه سفید میدهند
رأی کیسیون دادگستری را تأیید کرده اند و آقایانی که ورقه کبود میدهند آنها رأی
مخالف داده اند یعنی با رأی کیسیون موافق نیستند و با ارجاع بدیوان کشور موافقت دارند
بنا بر این آقایان اشتباه فرمایند خواستم تذکر بدهم ورقه سفید با اسم همان اوراقی که
آنجا هست ... (همه نمایندگان) اجازه بفرمائید شما که نیکی دارید آدم کارش را بکند
بنده مجدداً تکرار میکنم برای اینکه رفع اشتباه بشود و شاید باز اشتباهی باشد مرتفع بشود
اشخاصی که موافقت با خبر کیسیون دادگستری دائر بعدم تعقیب آقای تدین ورقه سفید
با اسم میدهند همان کارتهائی که آنجا هست. اشخاصی که مخالفت با خبر کیسیون دادگستری
دائر بعدم تعقیب آقای تدین و موافق با تعقیب ایشان و ارجاع بدیوان کشور هستند ورقه کبود
میدهند. (یکی از نمایندگان - تکلیف متنع را هم بفرمائید) عده حاضر ۹۰ نفر است سفید
بی امضاء هم بستری امتناع است - (برادقی مستعین جزء مخالفین هستند) اجازه بفرمائید
آقا مستعین هم جزء مخالفین محسوب میشوند . یعنی چون الان عده حاضر ۹۰ نفر است برای

فراتر است همان‌ها فولادوند
تصویب این خبر کمیسیون دادگستری ۴۶ رأی مثبت لازم است. (اخذ آراء بعمل آمد.)
(۱۲) ورقه سفید علامت قبول- ۴۲ ورقه کیود علامت رد- ۵ ورقه سفید بی اسم علامت
امتناع شماره شد)

اسامی موافقین : آقایان پور رضا - ضیاء الدین قنابت - ذوالقدر - کاظم جلیلی -
فرهودی- عباد تربتی - محمد علی منصف - دکتر طاهری - بین استدیاری - شیخ الاسلام
ملابری - نجومی - کله داری .

اسامی مخالفین : آقایان سرتیب زاده - صادقی - پروین کتابادی - عبدالکریم
صمدیه - آشتیانی - دکتر کشاورز - دکتر معظمی - دولت آبادی - طوسی - خلجبری -
کامبخش - فداکار - عزت‌الله بیات - افشار صادقی - سلطانی - شیخ الاسلامی - خلیل‌دشتی -
دکتر رادمنش - مؤید قوامی - امامی - حاجتی - لنگرانی - سنندجی - تیموری - رحیبان
مصعد علی اعتماد - محمد طباطبائی - صدوقاضی - مظفرزاده - فرمانفرمایان - تهرانی - اسلامی
مهندس فریور - دکتر مجتهدی - حسنعلی فرمند - ابوالقاسم امینی - محمدتقی اسعد - علی
دشتی - مجد ضیائی - محمد بهادری - فلسفی - دکتر مصدق - دکتر معاون - دکتر شفق
نایب رئیس - بنابراین خبر کمیسیون تصویب نشد و ارجاع بدیوان کشور میشود
(لنگرانی - انشاء الله مبارک است) .

دکتر مصدق - ... آقای فولادوند را جمع آقای

سهیلی و اعلام جرمی که شده در یکی از جلسات
از اظهارات من بسیار متأثر شدند نظر باینکه
امروز نوبت مذاکرات بنده رسید ایشان از

من تقاضا کردند که استعفائی که ایشان برای کار نکردن کمیسیون قوانین دادگستری و
برای اینکه انجام وظیفه نمیکنند بمجلس تقدیم کرده اند مورد قبول واقع شده است من در
این مجلس قرائت کنم تا ایشان از هر گونه اتهامی بری باشند (صحیح است) (استعفانامه آقای
فولادوند را بشرح زیر قرائت نمودند) (۱)

**در مورد استعفای قاسم فولادوند
از کمیسیون دادگستری**



آقای امیر قاسم فولادوند نماینده
الجمهور در مجلس ۱۴

ریاست معظم مجلس شورای ملی

بواسطه مطالبی که مشروحاً راجع به پرونده
انتهام آقای سهیلی در خصوص سوء استفاده از
اموال وزارت امور خارجه و کفنی بودن دلائل
برای مجرمیت ایشان در کمیسیون دادگستری
عرض نمودم و از لحاظ اینکه آنچه اینجانب تشخیص
دادم پس از شانزده ماه که این پرونده مطرح بوده
و تحقیقات هم کامل شده و دو ماه دیگر بیشتر از عمر
دوره چهاردهم مجلس باقی نیست منظور دفع الوقت
در این پرونده است و از لحاظ اینکه حیثیت خودم
را دوست دارم و احترام بانکار عمومی میگذارم و
چون بتهالی کاری از این بنده ساخته نیست لذا با
تصدیق باینکه آقای سهیلی را در این پرونده مجرم
و خطاکار میدانم و پس از مطالعه کامل پرونده

چندین مرتبه هم عقیده خودمرا بشهادت صورت جلسه کمیسیون صریحا گفته‌ام چون توجیهی در بعضی از همکارانم نمی‌بینم برای مؤول بودن نزد خداوند متعال و چون در ورود به مجلس بکلام الله مجید قسم خورده‌ام و برای مؤول نبودن در پیشگاه افکار هموطنانم که وکیل آنها هستم در این تاریخ از کمیسیون دادگستری استعفا میدهم و وجدان خودمرا بدینوسیله راحت مینمایم.

تاریخ ۲۴/۹/۲۲ امیر قاسم فولادوند

به‌دیک نظریاتی راجع پرونده آقای سهیلی اینجا هست که شاید بعضیها هم در مجلس گفته اند و احتیاج نباشد که بنده عرض کنم مطلب دیگری را که بنده میخواستم عرض کنم این بود که از مذاکراتی که بنده در مجلس شورای ملی راجع به بعضی مطبوعات کرده‌ام یکمده ای از مطبوعات ملی، یکمده از مطبوعات ملی که تا امروز هیچکس غیر از مصالح وطن و مملکت نظری از آنها ندیده‌اند که اظهار بکنند از من مکدر شده‌اند من بهیچوجه نظریاتم باین دست از مطبوعات نبودم در نطق خودم عرض کردم که عده زیادی از مطبوعات «طیانچه جیب دزد هستند» این مفهوم مخالفش این است که یکمده قلیلی هم از مطبوعات هستند که با هیچ سرمایه ای غیر از کار خودشان اداره نمیشوند و نظرشان فقط مخصوص بمملکت و ملت ایران است (صحیح است) بنا بر این بنده از آقایان تقاضا میکنم که بهیچوجه از عرایض من سوء تفاهم حاصل نکنند و خود راهبهنظور که هستند خادم حقیقی و بشام منی غیر خواه وطن که میدادند بدانند هیچکس درباره این آقایان نظرسوئی ندارد...

دکتر مصدق - بنده اخطار دارم، آقای

ماده ۱۰۴

نایب رئیس - آقای دکتر پیشنهاد کرده‌اید گزارش کمیسیون خوانده شود و خبر کمیسیون

اصرار نماینده اول تهران
ب طرح گزارش کمیسیون دادگستری راجع سهیلی

اخطار دارید؟

دکتر مصدق - ماده ۱۰۴ میگوید: قبل از اینکه داخل موضوع مباحثات شوند رئیس نوشتجات و مطالبی که راجع بمجلس است با اطلاع نمایندگان میرساند این است که خبر کمیسیون دادگستری باید بحرض مجلس برسد. چند روز است بمجلس داده شده است تقاضا میکنم قرائت فرمایند.

نایب رئیس - پیشنهادی هم که فرمودید برای خبر کمیسیون بود. آقای پوررضای طرح گزارش کمیسیون دادگستری مخالفید بفرمایید.

پوررضای - اجازه بفرمایید بنده مخالفتم با پیشنهاد آقای دکتر مصدق از این لحاظ نیست که چرا طرح بشود یا نشود، مسأله‌ای هست در برنامه مجلس که الهم فالاهم است یکی قضیه کارمندان بیسانی است تمام آقایان نمایندگان بوضعیت اینکارمندان مطمئنند، نمایندگان نشان در جلوی مجلس موجب زحمت شده‌اند و حق هم دارند از دوره مجلس ده دوازده روز بیشتر باقی نمانده و اینها میخواهند مقدرات خودشان را معین بکنند و مقدرات خانواده‌شان را معین بکنند. امروز یک نفر کارمند قراردادی میگفت اگر من بیستم مسئول من و اولادم کیست کی خرج اولادمرا میدهد؟ بنا بر این امروز بنده مخالفم که گزارش کمیسیون دادگستری مطرح شود و تقاضا دارم لایحه کارمندان بیسانی مطرح شود پس از آنکه آن لایحه تمام شد آقای دکتر مصدق هر پیشنهادی که دادند بفرمایند و بعلاوه آن گزارشی که از کمیسیون دادگستری

برونده سهیلی
 رسیده است ناقص است (دکتر مصدق - هیچ ناقص نیست) بنده بطوریکه اطلاع دارم اکثریت
 نداشته اند.

نایب رئیس - شماره جع بخود گزارش کمیسیون صحبت فرمائید عرض کنم همه مجلس
 نسبت باین لایحه کارمندان پیمانی موافق هستند و همه هم مایلند که این لایحه هرچه زودتر از
 تصویب بگذرد که وضعیت روشن شود و تکلیف شان معین شود ، خود بنده هم از اشخاصی هستم
 که با این نظر موافقم ولی وقتی که بنده اینجا مینشینم باید نظامنامه را رعایت بکنم ، وقتی
 پیشنهاد رسیده است که لایحه کارمندان پیمانی تاخیر نیفتد و یک چیز دیگر مقدم بر او بشود
 بنده باید رای بگیرم دیگر بسته بنظر مجلس است.

دکتر زنگنه - بنده اخطار دارم.

نایب رئیس - اخطار شما در چه خصوص است؟

دکتر زنگنه - عرض کنم که از نمایندگان دولت در اینجا کسی نیست و این لایحه
 قابل طرح نیست بنابراین اگر چیزهای دیگری هست راجع بکار مجلس مقدم است .
 نایب رئیس - با آقای وزیر دارائی خبر میدهم حاضر شوند.

پور رضا - آقای وزیر دارائی در مجلس حاضرند.

نایب رئیس - البته اخطار جناحالی وارد است لایحه پیمانی ها وقتی مطرح میشود
 باید وزیر دارائی اینجا حضور داشته باشند (بعضی از نمایندگان - آقا هستند) رای میگیریم به
 پیشنهاد آقای دکتر مصدق (مهندس فریور - رای لازم ندارد) آقای مهندس فریور توجه
 فرمائید چون اختلاف راجع بطرح شدنش در مجلس است باید بنده رای بگیرم ایشان پیشنهاد
 کرده اند که این گزارش قبلاً مطرح شود .

مهندس فریور - اجرای نظامنامه جزو وظایف رئیس مجلس است طبق ماده ۱۰۴
 که آقای دکتر مصدق خواندند .

نایب رئیس - این وقتی است که اختلاف با طرح شدن يك موضوعی در مجلس نباشد.
 وقتی اختلاف شد میبایستی رای بگیریم که طرح شود یا نشود. بنابراین رای میگیریم بطرح
 شدن خبر کمیسیون دادگستری (دشتی - این مطرح شدن لازم ندارد باید بعرض مجلس
 برسد) اجازه فرمائید آقای دشتی - این دو قسمت دارد يك قسمت راجع به جرمیت
 آقای سهیلی کمیسیون رای داده است دیوان کشور احاله میشود بدون مباحثه در يك قسمتش
 هم تیره کرده است آن قسمتی که کمیسیون تیره کرده است باید در مجلس مطرح شود و بعد
 رای بگیریم رای میگیریم بطرح شدن گزارش کمیسیون دادگستری . آقا باینکه موافق
 هستید قیام فرمائید.

(جمعی از نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - بشارید.

دشتی - دوباره رای بگیرید!

(چند نفر دیگر برخاستند)

مهندس فریور - بنده درخواست میکنم با ورقه رای گرفته شود وقتی که نتیجه
 رای مشکوک و مورد تردید واقع شد طبق نظامنامه باینکه نماینده بایستد برای کتبی
 باورقه گرفته شد.

نایب رئیس - بسیار خوب با ورقه رای میگیریم آقای مهندس فریور شما
 پیشنهاد فرمائید؟

مهندس فریور = بلی بنده پیشنهاد میکنم و تقاضای بکنفر نماینده کافی است .
 نایب رئیس = بنا بر این رأی با ورقه میگیریم برای طرح شدن خبر کمیسیون
 دادگستری آقایانی که موافقت ورقه سفید خواهند داد - عده حاضر در مجلس ۸۶ نفر است .
 (اخذ آراء بعمل آمده ۴۴ ورقه سفید تعداد شد)

نایب رئیس = تصویب شد .
 اسامی رأی دهندگان : آقایان سلطانی - تجدد - کاظمی - مؤید قوامی - تولیت -
 ذوالفقاری - فولادوند - خلعتبری - طهرانچی - حشمتی - دکتر کیان - مؤید تاجی - طوسی -
 مرآت اسفندیاری - بیات - رحیبیان - دکتر مصدق - محیط - رفیعی - دولت آبادی - پروین
 گنابادی - دکتر اعتبار - آشتیانی - محمد علی اهناء - کامبخش - دکتر کشاورز - سرثیب -
 زاده - صادقی - فرماغرمایان - فرمند - علی دشتی - دکتر معاون - مهندس فریور - صدرقاسمی -
 دکتر مجتهدی - تقه الاسلامی - جمال امامی - اهنی - دکتر زنگنه - خداکار - دکتر معظمی -
 عباد تربتی - مجد شبلی - عدل .

طرح گزارشهای کمیسیون دادگستری

راجع باعلام جرایم بر علیه سهیلی

نایب رئیس = دو گزارش سابقاً از کمیسیون دادگستری رسیده است .
 دکتر مصدق = سه تا است .

نایب رئیس = بلی سه تا است - آقای نبوی مخبر کمیسیون نظری دارید؟ بفرمایید .
 نبوی = يك گزارش از سال قبل تقدیم شده است که باید جلوتر خوانده شود يك
 گزارش هم مال چند روز پیش است که تقدیم کردم اول باید گزارش سال گذشته خوانده -
 شود چون این گزارش در تعقیب آن است در این گزارش دومی يك اشتباهی هم شده است
 در عدد پنجهزارریال که باید پنجهزار تومان نوشته شود .

نایب رئیس = بنا بر این دو خبر است ؟

نبوی = بلی دو خبر است اولی را باید خواند بعد دومی .

نایب رئیس = آقای هاشمی خبر اول را اول بخوانید بعد خبر دوم را .

(گزارش کمیسیون دادگستری بشرح زیر بوسیله آقای هاشمی قرائت شد)

گزارش از کمیسیون دادگستری بمجلس شورای ملی مورخ ۳۰/۱۰/۲۳
 چند نفر از آقایان مدیران جرایم جرائمی به آقای سهیلی نعت و وزیر اسبق نسبت
 داده که از طرف مجلس شورای ملی طبق مقررات بکمیسیون عرایض و مرخصی ارجاع
 کمیسیون مزبور پس از رسیدگی اتهامات را وارد ندانسته و نظریه خود را مبنی بر منع
 تعقیب موضوع بمجلس تقدیم و بکمیسیون دادگستری ارسال شده موضوع در کمیسیون دادگستری
 مورد طرح و رسیدگی واقع شده :

بحسبکایت اوراق ارسالی جرائمی که با آقای علی سهیلی نسبت داده شده سه

نمره است :

۱ - توقیف جرائد .

۲ - تفسیر قانون حکومت نظامی .

۳ - قیام بر علیه حکومت ملی .

۱ - در قسمت توقیف جرائد - هیچگونه دلیلی بر اینکه آقای علی سهیلی دستور

توقیف روزنامه ها را داده باشند بدست نیامده تنها دلیل اعلام کنندگان جرم ابراز نامه ای -

است که آقای علی سبیلی فرمانداری نظامی نوشته اند حاکی از اینکه از روزنامه «داد» رفع توقیف شود چنین استدلال کرده اند که امر بر رفع توقیف از ناحیه ایشان دلیل است بر اینکه توقیف هم بدستور ایشان بوده در حالیکه آن نامه بهیچوجه چنین دلالتی ندارد و از دفتر نخست وزیری هم تحقیق شده نوشته اند: «دستور توقیف از طرف نخست وزیر داده نشده توقیف جرایم مستقلاً مبنی بر مقررات فرمانداری نظامی بوده است».

۴- راجع به تصحیح قانون - منظور نسبت دهندگان «تصویب نامه» است که از هیئت وزیران در تاریخ ۲ فروردین ۱۳۲۲ صادر و در جرائد آگهی شده و ضمن آن تصویب تلمه توضیحاتی در اطراف ماده ۸ قانون حکومت نظامی مصوب ۲۷ سرطان ۱۳۲۹ داده شده است.

اولاً - مستفاد از ماده ۱ قانون حکومت نظامی اینست که در تقاطعی که حکومت نظامی اعلان شده تشخیص اموریکه مربوط به امنیت و آسایش عمومی است بعهده هیئت دولت است و صدور تصویب نامه مورخه ۲ فروردین ۱۳۲۲ به استناد ماده مزبور بوده است.

ثانیاً - این موضوع در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۲۲ در مجلس مطرح و مورد مذاکره واقع شده نتیجه مجلس به اکثریت فریب به اتفاق آقای سبیلی رأی اعتماد داده است بنابراین تکلیف این موضوع از طرف مجلس شورای ملی تعیین شده است.

۴- قیام بر علیه حکومت ملی - آنچه اعلام کنندگان آنرا قیام بر علیه حکومت ملی دانسته اند عبارت از تقدیم قانونی است از طرف آقای علی سبیلی نخست وزیر وقت به مجلس شورای ملی دایر به محدودیت جرائد.

این عمل نه تنها قیام بر علیه حکومت ملی نیست بلکه احترام و تسلیم بمقررات حکومت ملی است و بدیهی است که تقدیم طرح به مجلس و درخواست تصویب آنرا نمیتوان قیام بر علیه حکومت ملی فرض کرد.

بجای مذکور گسیون پس از مذاکره و مذاقه در محتویات پرونده در جلسه مورخه ۱۸ آذرماه ۱۳۲۳ به اکثریت آراء رأی بمنع تحقیق آقای علی سبیلی نخست وزیر سابق داده ایک خبر آن تقدیم میشود. مخبر گسیون دادگستری - حسن نوی

نایب رئیس - گزارش مه فخره است یک گزارشی هم مال سال پیش بوده است که آنها باید خوانده شود یسواً این گزارش باید خوانده شود چون فراموش شده بود حالا فرستادیم که بیاورند راجع ببنده عباس است. (گزارش دیگر بشرح آتی قرائت شد).

گزارش از گسیون دادگستری به مجلس شورای ملی بتاريخ ۹ فروردین ۲۳ در تاریخ دهم فروردین ماه ۱۳۲۳ آقای فرخ نماینده محترم مجلس شورای ملی اعلام جرمی نسبت بآقای علی سبیلی نخست وزیر سابق راجع بمسئالت حوامر انتظامات بندر عباس و شهرضا نموده و دلایل خود را بشرح زیر تقدیم نمودند:

در قسمت بندر عباس:

- ۱- پیش نویس تلگرافی بدون تاریخ و شماره فرمانداری بندر عباس دایر بانکه «دکتر مصباح زاده را فراموش ننمائید دستور انتخابات آنجا میرسد».
- ۲- تلگراف فرماندار بندر عباس بنحمت وزیر بفساد اینکه «۱۵۵۸ اطاعت میشود».

در قسمت شهرضا:

- ۱ - تلگراف فرماندار شهرضا بنحسٹ وزیر « انتخابات شروع نشده بود که کاندیدی شکایت داشته باشد بدیهی است او امر مبارک کاملاً اجرا خواهد شد »
- ۲ - تلگراف فرماندار شهرضا بنحسٹ وزیر بغداد اینکه : « شیروانی بواسطه مخالفت خسرو قشقائی و صارم الدوله در اقلیت است و دکتر کیان بهمین جهت زمینہ مناسب دارد چنانچه بنده بیطرف بمانم موفقیت با کیان خواهد بود و اگر شخص ثالثی انتخاب شود بهتر است » .
- ۳ - تلگراف بنحسٹ وزیر فرماندار بغداد اینکه « نظر همان است که حضوراً مذاکره شد اهتمام نمایند همانطور عمل شود ممکن است انتخابات چند روز تعویق افتد » .
- ۴ - تلگراف فرماندار شهرضا بنحسٹ وزیر دائر بر اینکه « تشکیل انجمن به - تعویق افتاد ولی صارم الدوله و قشقائی شیروانی را در اقلیت گذاشته و چون لنجان از حیث میاست محلی تحت نظر صارم الدوله است اگر نتیجه خلاف انتظاری پیش آمد نماید فدوی را مقصر ندانید » .
- ۵ - تلگراف وزارت کشور بفرماندار دائر بر اینکه « شما منتظر خدمت میشوید » .
- ۶ - تلگراف دیگری بعنوان بنحسٹ وزیر و وزیر کشور دائر بشروع انتخابات و شکایات اهالی و تمییراتی در اعضاء انجمن که بعنوان گزارش تپ شده است .
اعلام جرم مزبور پیوست اوراق و مدارک فوق طبق قانون معاکه و ذرا بکیسیون عرایض ارجاع، کمیسیون عرایض پس از رسیدگی و بدست آوردن مینوت تلگرافاتی از دفتر بنحسٹ وزیر راجع با انتخابات بندر عباس و شهرضا ادامه تحقیقات را غیر لازم تشخیص داده است .
گزارش کمیسیون عرایض در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۲۳ در مجلس علی قرائت و بکیسیون دادگستری ارجاع گردید .
کمیسیون دادگستری پس از مذاکره در اطراف اینکه عمل «مداخله غیر مشروع» در انتخابات مشمول کدام يك از مواد جزائی است و بعضی آنرا مشمول ماده ۸۳ قانون مجازات میدانسته شروع با اقداماتی بقرار زیر کرده است :
- ۱ - طبق ماده چهارم قانون معاکه و ذرا، آقای علی سبیلی در کمیسیون احضار و از ایشان توضیحاتی راجع بتلگرافاتی که مخابره شده بود خواسته شد :
- در باب تلگراف فرماندار بندر عباس که « دکتر مصباح زاده را فراموش نفرمائید » توضیح دادند: «اولاً چون رئیس دولت از نظر مصالح کشور میتواند راجع بزمنه اشخاص در انتخابات تحقیقات نماید و ثانیاً چون دکتر مصباح زاده در اینجا اظهار میکرد که من در بندر عباس زمینہ دارم و چنانچه در آنجا اقداماتی بر علیه من نشود انتظاب خواهم شد فرماندار بندر عباس که عازم محل بود گفت شد که در آنجا مطالبه نموده ببینه آیا دکتر مصباح زاده زمینہ دارد یا خیر و اطلاع دهد چون جوابی از فرماندار نرسید من تلگراف نمودم که دکتر مصباح زاده یعنی موضوع داشتن یا نداشتن زمینہ ایشانرا فراموش نکنند و بدهم جوابی من دلدہ نشود و بطور خلاصه « در امر بندر عباس و نه در امر شهرضا دستور برای انتظاب شخصی معین داده نشده و نظر خاص و سوء استفاده ای هم در بین نبوده است و تلگرافاتی هم

بعداً شده که مداخله در امر انتخابات ننمایند و علاوه انتخابات آنجا در زمان من انجام نشده است راجع تلگراف دیگری که از طرف آقای علی سهیلی بفرماندار بندرعباس شده بود که در تشکیل انجمن فلا تأمل نمائید جواب دادند چون در اینجا آقای شیروانی کاندید بندرعباس اظهار داشت انجمن از عوضی ها تشکیل شده و آنها اعمال نفوذ کرده اند برای جلوگیری از نزاع بین شیعه و سنی مقتضی بود انتخابات چند روزی بتوقیف افتد .

در قسمت تلگراف آقای علی سهیلی بفرماندار شهرضا که « نظر همان است که حضوراً مذاکره شد ممکن است انتخابات چند روز اخیر افتد » آقای سهیلی توضیح دادند: « چون استاندار تلگراف نموده بود که ممکن است در شهرضا خونریزی شود این دستور برای جلوگیری از اغتشاش و نزاع بوده و مذاکرات شفاهی مربوط با آقای شیروانی بوده است که ایشان اظهار میداشتند در شهرضا آراء طبیعی دارند و اگر بی طرفی کامل را رعایت نمایند ایشان انتخاب خواهند شد دستور شفاهی بفرماندار همین قسمت بود که بی طرفی کامل را در امر انتخابات رعایت نماید و تلگرافاتی که با استاندار و سرانشکر جهانبانی شده این نظر را تأیید میکند .»

راجع بحکم انتظار خدمت آقای میکده فرماندار شهرضا توضیح خواسته شد جواب دادند : « دستوری از طرف من در این قسمت داده نشده است .»

از گرگانی فرماندار پیشین بندرعباس راجع بتلگرافات فوق در قسمت بندرعباس سؤالاتی شد پاسخ داد که دستور مخصوصی راجع بانتهای شخص معین باور داده نشده و او هم اقدامی نکرده است .

۳ - از میکده فرماندار پیشین شهرضا راجع بتلگرافات فوق الذکر در قسمت شهرضا توضیحاتی خواسته شد ایشان چنین اظهار داشتند که « قبل از حرکت بشهرضا آقای سهیلی مرا احضار و باخاق آقای شیروانی خدمت ایشان رسیده فرمودند چون از قرار آقای شیروانی در محل محبوبیت دارند ولی قشقاتی ها با ایشان مخالفت میکنند شما سعی کنید از نفوذ آنها تا حدیکه مقدور است جلوگیری و جدیت کنید ایشان و کیل شوند و مخصوصاً فرمودند « از صندوق اسم شیروانی بیرون آید » و من جواب دادم البته اگر ایشان زمینه مناسب داشته باشند من کمک میکنم که انتخاب شوند پس از رفتن بعمل سران قشقاتی بنده راملقات و گفتند اگر شیروانی از اینجا انتخاب شود سیرم یک پارچه آتش خواهد شد بنا بر این بنده مبادرت بصور این تلگراف کردم که خسرو با شیروانی مخالف است صارم الدوله نیز خوش بین نیست و شیروانی نیز زمینه مناسبی ندارد و اگر انتخابات آزاد باشد موقیت یا کیان خواهد بود در نتیجه آقای سهیلی دستور تلگرافی صادر کردند که دستور همان است که شفاهاً گفتم بعد از چندی که بطهران آمده و مراجعت کردم حکم انتظار خدمت من از وزارت کشور صادر شد .»

راجع بسوجبات انتظار خدمت آقای میکده بعداً شرحی توسط آقای علی سهیلی پیوست نامه وزارت کشور بکیسیون داد گتری رسید که مفاد آن از اینقرار بود:

« ... چون آقای میکده بیانومی بدهکار بود و از طرف اداره ثبت اسناد فشار بوزارت کشور وارد میشد وزارتخانه هم بیکنده مراجعه و چند بار تذکره داده شد که قراری برای پرداخت دین خود یا بانوی نامبرده بگذارند چون مشارالیه اقدامی نکسرده و اداره ثبت اسناد هم حکم توقیف ایشان را صادر نمود وزارت کشور مبادرت بصور حکم انتظار خدمت ایشان نمود .»

کمیسیون دادگستری با توجه به محتویات پرونده و اظهارات آقای علی سهیلی و آقایان گرکانی و میکده و ملاحظه مینوت تلگرافی بدون نمره و تاریخ که از طرف آقای علی سهیلی راجع باژادی انتخابات شهرضا و بندرعباس شده بود نسبت به مداخله در انتخابات بندرعباس رأی گرفته ۱۲ رأی از ۱۴ رأی ایشان را قابل تعقیب ندانسته و بکنفرم آقای سهیلی را بر طبق ماده ۱۲۹ قابل تعقیب تشخیص و بکنفرم متمتع و سپس نسبت به مداخله آقای سهیلی در امر انتخابات شهرضا اتخاذ رأی شده از ۱۵ نفر عده رأی دهندگان با کثرت ۱۲ رأی آقای علی سهیلی را قابل تعقیب ندانسته و بکنفرم ایشان را قابل تعقیب دانسته و دو نفر متمتع بودند بنا بر این کمیسیون دادگستری در هر دو مورد نظریه کمیسیون عرایض را تأیید و آقای علی سهیلی را در امر دخالت در انتخابات قابل تعقیب ندانسته اینک گزارش آنرا قدیم مجلس شورای ملی مینماید مخبر کمیسیون دادگستری - دکتر عبده

نایب رئیس - بدو این خبر کمیسیون دادگستری راجع بتهیه آقای سهیلی مطرح میشود که خلا خوانده شد یکی یکی مطرح میشود بعد باید رأی بگیریم .

مهندس فریور - الان دو تایش را خواندند دلیل ندارد سومی را نخوانند !!

نایب رئیس - مطابق آئین نامه باید یکی یکی رأی گرفته شود .

لنگرانی - اگر مطابق آئین نامه است چرا دو تا را خواندند ؟!

نایب رئیس - گزارش دومی را ما تصور میکردیم اولی است (دکتر مصدق -

مه تا است) وقتی که تذکره دادند متوجه شدیم چون خبر مال پارسی است مال تقریباً چهارده پانزده ماه پیش است حالا اگر مجلس نظرش این است که آن خبر سوم هم خوانده شود و آنوقت بگذریم اینکار تکلیفش معلوم شود این کار را بکنیم .

تهرانچی - اجازه فرمائید قربان این برخلاف آئین نامه است رأی کمیسیون برای هر چیزی که مطرح میشود باید روی آن موافق و مخالف حرف بزنند و بعد رأی بگیرند چون این قسمت هم برات است هم تعقیب (صحیح است) اگر خبر برات نبود مستقیماً میرفت بدادگستری و محتاج صحبت نبود ولی چون برات است البته باید ابتداء گزارش اولی صحبت شود و بعد رأی گرفته شود . بعد دومی ، بعد سومی ، و این بر خلاف نظامنامه است .

نایب رئیس - آقای دکتر مصدق .

دکتر مصدق - این سه خبر است در قسمت اعلام جرم باید برود بدادگستری و اصلاً

مذاکره ندارد در خبر سوم تفکیک نکرده اند در یک اعلام جرم اساساً تهیه کرده اند اگر اجازه فرمائید آن خبر سوم را هم بخوانند آنوقت آنگاه اعلام جرم بدادگستری میرود و در بقیه صحبت میشود (صحیح است)

نایب رئیس - سابقه و آئین نامه این بوده است که هر خبری طبعه مطرح

شود و رأی گرفته شود ، آقا هم موافقت فرمائید همینطور باشد که برخلاف آئین نامه عملی نشود .

دکتر مصدق - پس بنده عرایضم را یکمرتبه عرض میکنم راجع به سومی هم

عرض میکنم .

بعضی از نمایندگان - الان بگذریم فرمائید .

لنگرانی - آقا این دو تا را خوانده شد یکیش مانده است .